(هو المستعان)

—« قسمت اوّل از »—

(مدرسهٔ سیّار) ترجمهٔ (الرحلة المدرسية والمدرسة السيارة)

اعداد توریة از ترجمه «بروس» چاپ لندن نقل میشود وحسب الأمر . . . سائر جملات ترجمهٔ تحت اللفظ گردیده . بقلم اختیاری بنده نیست « مترجم ع . و »

—« در خواست »—

هر گونه اعتراض یا بحث یا بیانی راجع بمندرجات این کتاب بنظر خوانندگان محترم برسد بحضرت مؤلف مراجعه نمایند . خدمتی بعالم معارف خواهد بود

بشرکت جمعی محترمین از علاقه مندان عالم اسلامی تبریز ایّدهم الله بطبع رسید

محلّ فروش در تبریز بازار شیشه گرخانه کتابخانه سروش . و .

(طبع بالمطبعة « الحيدريّة » في النجف الأشرف)

(لصاحبها الحاج شيخ محمد صادق واخيه الشيخ محمد)

(ابراهيم حفظهما الله سنة ١٣٤٦ هجريّة)

﴿ بسم الله الرحمن الرحيم ﴾

الحمدلله باری الخلق. الهادی الی الحق . الموفق للصواب . نحمده ونشکره ونستعین به ونسئله النجاة من زلل الأهوآء وزیغ الضلال وعمی التقلید . ونصلی علی رسله وانبیآئه واولیائه قادة الخلق الی الحق

— ﴿ بنام خداوند بخشندهٔ مهربان ﴾ —

ستایش سزاوار یکتاستی * که گردون باحمد بیاراستی
نه بیهوده گویم درخشان بود * کتابی بدادش که فرقآن بود
ره از بر تکامل کسی بایدش * دران بنگرد تا که بنمایدش
بدانش پژوهان زمن نکتهٔ ایست * که در قید تقلید تا چند زیست

قدم رنجهٔ سوی برهان کنند
پس انگاه تصدیق قرآن کنند

سپس این نظریات دینی ونتائج فکری را به (مدرسهٔ سیّار) نامیده و برای زیادتی بصیرت انرا بطریق سؤآل وجواب از لحاظ خوانندگان محترم میگذرانم . خود را «عمانوئیل» (۱) پسر «الیعازر» (۲) نمایش داده . میگویم . قسّي (۳) بما ورد

(۱) لفظ عبرانیست . ترجمه «خدا باما» (۲) . . خدا یار (۳) قس عالم روحانی نصاری

کرد . ورود اورا غنیمت شمرده رفع شبهاتیکه در ذهن سیّار وسیّاحم خلجان مینمود از او خواستار شدم ﴿ گفتم ﴾ - جناب قس - آیا ممکن است از فوائد روحانیت محترم بهرمند شده . در تعلیم وارشادم خود داری نفرمائید ؟

(قس) بله بله وظیفهٔ روحانیت من است . واز این جهت شب زنده داری نموده وباین رتبهٔ شایان ومقام برجسته رسیده ام وامید وارم روز پسین هم برمآئدهٔ مسیح جلوس نمائیم

(عمانوئیل) تشکر مینمایم . امید است از لطف سرشار وحسن تحمل در سؤالاتیکه ناگوار بمذاق دیانت وروحانیت محترم است متنوّر و بهره مند گردم

﴿ قس ﴾ سؤال کن انچه دربیان شبهه ضروریست « تا بهره بری و بهره بخشي »

﴿ عمانوئیل ﴾ مگذار اسیر جهل باشم . بروحانیت خود دست گیرم فرمائید

﴿ قس ﴾ روح القدس برتو حلول نموده دستگیر خواهد بود

نصاری روحانیان خود را پدر مینامند

﴿ الیعازر ﴾ . فرزند . چرا برسوم ادب مکالمه نمینمائی ؟

اسقف بر اوقات گرانبهائیست که در ازآء تربیت گذاشته ام
(عمانوئیل) سرزنش موجب گرفتگی خاطر است . وشخصرا ذلتنگ میدارد . منکه در احترامات حضرت قس فرو گذار نبوده ام

(الیعازر) آیا نمیدانی این شخص بمقام روحانیتش شایسته انستکه درمقام تکلم ـ بأو «ای پدر» خطاب نمائی چنانچه نزد مسیحیان مرسوم است . مگر درجرائد . ومجلات . وکتب انها ندیده ؟ «الأب فلان . الأب فلان . الآباء الیسوعیون» اگرچه معذورید زیرا مجالسه بامسلمانان تضییع آداب مسیحیه مینماید
(عمانوئیل) ـ پدر ـ بدیهی است، که تقوی ونجاتم را خواهان بوده وهستید چگونه میفرمائید مخالفت مسیح وانجیل را داشته ومرتکب شوم امریکه مسیح در انجیل ازآن نهی فرموده ومقارن باشرک نموده است

(الیعازر) امر تازه است که تاکنون بمسیحیان نرسیده یا انکه انجیل متذکر است ؟

(عمانوئیل) مراجعه فرمائید عدد ۹ باب ۲۳ انجیل متی در خطاب مسیح بگروهان وشاگردانش (وهیچکس را بر زمین

پدر خود مخوانید زیرا پدر شمایکی است که درآسمانها است)
(الیعازر) ای پدر . چه میفرمائید دراین تازه سرائی عمانوئیل ؟
(قس) ـ الیعازر ـ روشن کرد عمانوئیل حقیق که برغم
کتاب مقدس مستور بود . من هم ازاین خطاب منزجر بوده ام
ونظر بعلاقه مندی مفرطی که برادران روحانیم براین خطاب
داشته ودارند . تاکنون اظهار عقیده نموده وازنهی وابراز انزجار
خود داری مینمودم . اینک اظهار عقیده مینمایم « چون حق کشی
نتوان درجواب پرسنده » البته سپس مرا باین لقب خطاب نمائید
(الیعازر) ـ جناب قس ـ چون درپسر من معرفت وحرّیت
ضمیر مشاهده میدارید امیداست برما منّت گذاشته درارشاد
وتعلیمش فرو گذار نفرمائید

﴿ عمانوئیل ﴾ نظر بدرخواست پدرم قس در تعلیم وارشادم
خود داری نفرموده باجوبه مسائل خورسندم میداشت . تا در
مجلسي ذکر عالمَ وپیدایش پیش آمد نمود وهرکس بحسب عقائد
امروزه اظهاراتی داشت . ولی . افکار آنها بمذاق دیانتیم
صعب وناگوار بود . تمنی کرده درصورت اجازه مطلب را بر
وفق اصول معقوله آلهیین مشعشع داریم . چون . اینگونه

امور محتاج باساس متین واصل محکمی است که باز گشت بتقلید نداشته وحقائق منزّهه را مستور ندارد

﴿ اهل مجلس ﴾ صحیح است . هر گونه مائلید مذاکره نمائید

﴿ عمانوئیل ﴾ . جناب قس . متمنی است بر وفق کتاب مقدس پیدایش را توضیح دهید

﴿ قس ﴾ آیا توریة نزد شما موجود است

(عمانوئیل) نسخ عبرانی . عربی . فارسی . غیراٰنها حاضر است

(قس) سفر پیدایش را بخوان

(عمانوئیل) خواندم عدد ۲ و ۳ باب ۲ سفر پیدایش « وروز هفتم خداوند از همه کار خود که ساخته بود استراحت نمود « ۱ » ۳ پس خداوند روز هفتم را مبارک گردانید واو را تقدیس نمود زیرا در این روز استراحت نمود « ۱ » از همه کار خود که آفریده وساخت » گفتم . جناب قس . آیا برای خداوند در ایجاد مخلوقات تعبی است . تا استراحت نماید پس از فراغت ؟

« ۱ » اگرچه در بعض تراجم به « آرام گرفت » ترجمه شده . ولی « دراصل عبرانی « یشبت » است وترجمهٔ صحیح آن « استراحت نمود » میباشد

آیا این تعبیر نسبت بخداوند زشت وبی مغز نیست ؟

﴿ قس ﴾ تسامح در تعبیر فرموده ودر توریة تعبیراتی است که خارج از قلم ادبی میباشد . بلکه باندازه وحشت آور است . بزودی نفرت مورزید « دور از ادب افتد آنکه نفرت ورزد »

—﴿ جمعیت کتاب الهدایه . توریة . روز هفتم ﴾—

(عمانوئیل) شنیدن ادب است . ولی . سؤآل دیگری است که مربوط بهمین شماره است . میگوید « خداوند روز هفتم را مبارك گردانید واورا تقدیس نمود » باانکه جمعیت « کتاب الهدایه » مطبوع بمعرفت مرسلین امریکان درجزء ٤ صفحه ١٨٤ این مطلب را بکلی انکار نموده وجسورانه نوشته اند که خداوند در توریة نفرموده « خداوند روز هفتم را مبارك گردانید واروا تقدیس نمود » . متأسفانه نویسندگان الهدایه را دعات هدایت وتقوی دانسته از کذب منزه میشماریم . آیا نمیدانند چشم وگوش مردم باز است ؟ . بیجور حقیقتند

﴿ قس ﴾ بنام مرسلین ومبشرین فریب مخور « فانا من ههنا اتینا » : « زینگوشه شرر بما رسیده »

—﴿ عدن . دجله . فرات ﴾—

﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم باب ۲ عدد ۸ تا ۱٤ « خداوند خدا باغی در عدن بطرف مشرق غرس نمود وان آدم را که سرشته بود در اینجا گذاشت ۹ وهر درخت خوش نما وخوش خوراك را از زمین روَیانید وهم درخت حیوة در وسط باغ ودرخت معرفت نیك وبدرا ۱۰ ونهری ازعدن بیرون آمد تاباغ را سیر آب کند . ودرانجا منقسم گشته چهار شعبه شد ۱۱ فیشون — ۱۳ جیحون — ۱٤ حدّاقل « دجله » . فرات » - جناب قس — آیا عدن دراینجا ودر کتاب اشعیا عدد ۳ باب ۵۱ وکتاب حزقیال عدد ۹ باب ۳۱ وکتاب یوئیل عدد ۳ باب ۲ همین عدن معروف دربغازباب المندب است

(قس) ظاهر همین عدن معروف است

﴿ عمانوئیل ﴾ مستحضرید . دجله جاریست ازجبال ارمینیة وفرات ازبلاد ارضروم . فقط تلاقی مینمایند درشطّ العرب تا خلیج فارس چگونه ممکن است خارج شوند ازعدن ؟!

(قس) مطلبی است . ولی . « اجمال نظر نما که نیکو است » چگونه توریة را دراین مطلب تکذیب نموده یا تصدیق داریم . بگذر وبخوان

نهی آدم ازدرخت . کذب . مار وصدق

﴿ عمانوئیل ﴾ عدد ۱۵ باب ۲ تا عدد ۸ باب ۳ « وخداوند خدا آدم را گرفت واورا درباغ عدن گذاشت تاکار آنرا بکند وانرا محافظت نماید ۱۶ وخداوند خدا آدم را فرموده گفت ازهمه درختان باغ بی ممانعت بخور ۱۷ امّا از درخت معرفت نیك وبد مخوری زیرا روزیکه ازان خوردی خواهی مرد . عدد ۱ باب ۳ مار ازتمامی حیوانات صحرا که خداوند خدا ساخته بود هوشیارتر بود به « حوّا » گفت آیا خدا گفته است که ازهمه درختان باغ مخورید ۲ زن بمار گفت ازمیوهٔ درختان باغ میخوریم ۳ لکن ازمیوه درختیکه در وسط باغ است خدا گفت از آن مخورید وانرا لمس مکنید مبادا بمیرید ٤ مار گفت هر آینه نخواهید مرد ٥ بلکه خدا میداند روزیکه ازآن بخورید چشمان شما باز شود ومانند خدایان «۱» عارف نیك وبد خواهید بود ٦ وچون زن دید که ان درخت برای خوراك نیکواست وبنظر خوشنما ودرختی دلپذیر پس ازمیوه اش گرفته بخورد وبشوهر خود نیزداد واو خورد ۷ انگاه چشمهای هردو ایشان باز شد

«۱» عبارت اصل عبرانی « الوهیم » دراین لغت یاء ومیم علامت جمعست

وفهمیدند که عریانند پس برگهای انجیررا بهم دوخته سترها
برای خویشتن ساختند »

عدد ۷ خاتمه یافت توریهٔ را بهم زده مقابل خود بروی میز گذاشتم
(قس) چرا مبهوت نشسته ؟ بخوان . بخوان

﴿ عمانوئیل ﴾ اجازه میفرمائید سؤآلات خودرا باکمال آزادی
بعرض رسانم . توریه کتاب آسمانیست وناچاراست دراطراف
تصحیح وتأویل ان کوشیده وشبهات خودرا ازلحاظ محترم بگذرانم
« شاید ازروزنه پرتوعرفان تابد »

(الیعازر) ای عمانوئیل . مگر در کتاب خداوند شکی است
که درحلّ مندرجات ان تمسك بقّس میجوئی ؟ کاش ازمجالست
مسلمانها ومراجعت کتب انها ممانعت مینمودم

(عمانوئیل) ــ پدر ــ بنظرمبارکست که درطفولیت ازرفتن‌مدرسه
امتناع ورزیده باکمال جدّیت ترغیب وتشویقم میداشتید .
بدیهی است اگر تاکنون درظلمت جهل واسارت تقلید بودم
کورانه تصدیق این نوع مطالب را نموده وآنهارا بهترین
عقیده میپنداشتم . یادر صورتیکه دوره تحصیلاتم درمدرسهٔ
طبیعیات بود دیگراینگونه دراطراف دیانت کنجکاو نبودم

(قس) ای الیعازر «سرزنش حربه عجز است بگو برهان را» بگذار رفع شبهات پسرت را بوسیلهٔ برهان نموده واساس دیانتش را ثابت دارم

(عمانوئیل) - پدر - از این سرزنش استفاده میتوان داشت بامن همدرد وهم عقیده اید فقط علاقه مندیهای زیاد شما بدیانت مسیحی جلوگیر اظهار همدردیست . اجازه دهید بحث نمایم (دخت بحث است هرآن قصه که بی ریب آید) . الحقیقة بنت البحث

﴿ قدس خداوند متعال . دروغ . خدعه ﴾

﴿ عمانوئیل ﴾ آیا نزد خداوند متعال کذب وخدعه است ؟!!

(قس) نه . نه . استغفار کنید . چگونه معقول است

(عمانوئیل) پس چگونه خداوند بآدم میفرماید . تا از درخت نیك وبد خوردید خواهید مرد . بآانکه خوردند ونمردند. آیا این جمله نسبت بخداوند کذب وخدعت نیست ؟ . بگذریم . «مار» گفت بخوربد نخواهید مرد - صدق مار وخیر خواهی او مضحك است . میگوید . « ۵ بلکه خدا میداند روزیکه از ان درخت بخورید چشمهای شما باز شود مانند خدایان عارف

نیك و بد خواهید شد ـ ۷ انگاه چشمهای هردو ایشان باز شده فهمیدند که عریانند » — آقای قس — آیا صدق مار و خیر خواهی او متصوّر است ؟ با انکه عدد ۹ باب ۱۲ مکاشفه یوحنا متذکر داشته ومیگوید « این مار مار قدیمی است که بشیطان موسوم وتمامی مسکون را میفریبد ، بگذریم . قصه فضیحت آور است

﴿ قس ﴾ مقصود موت جسمانی نیست . زیرا آدم وصیت خداوند را بجای نیاورده مستوجب غضب گردید . وبپاداش این ارتکاب حیوة روحی ازاو سلب شد

(عمانوئیل) این جواب را درجزء ۲ صفحهٔ ۱۳۱ کتاب الهدایه دیده ام . غلط این اعتذار هم از توریه" استفاده میشود . زیرا میگوید که آدم قبل از خوردن میوهٔ درخت معرفت نیك وبد را نداشته وبرهنگی خودراتمیز نمیداد . خجلت نمیکشید — مراجعه کنید چنین شخصي دارای حیوة روحی بوده تااز او سلب شود وکسیکه درك حسن طاعت وقبح معصیت را نداشته تا بطاعت رغبت نماید واز معصیت امتناع ورزد چگونه مغضوب شد ؟. بلکه سپس دارای حیوة گردیده

بنیك وبد وخیر وشر عارف شد وشایسته ترقیات وعرفان است
ـ آقای من ـ مقصود آنستکه نظریات خود را از لحاظ محترم
گذرانیده در صورت صدق تصدیق فرمائید . نه اینکه چشم
پوشی فرموده با این درجه سهل انگاری مترصد تقنیع باشید
. تصور میکنم برای شما بهترین پاسخی است که بزودی اظهار
نخواهید فرمود

﴿ قس ﴾ راست است . ولی . ممکن است . مقصود .
مورد عروض مرگ باشد . یعنی . خواهی مرد وپایدار
نخواهی بود

﴿ عمانوئیل ﴾ این جواب را هم در کتاب الهدایه دیده
خلاف آنهم در توریة یافته ام میگوید . آدم را برای بقاء
نیافریده واز آن روز که سرشته شد دست تقدیر در جسم او تخم
فنا ونیستی کاشت . پس دارای حیوة ابد نبود تا خوردن ثمره
علت عروض مرگ شود . بلکه مبادا از درخت حیوة خورده
وزندگانی پایدار نماید سیاست الهیه اورا از بهشت خارج
نمود . خاتمه باب ۳ مراجعه شود

قرآن کریم

﴿ قس ﴾ قرآن ذكر بعضي قصص توريه را مينمايد . ببينيد آيا در اينقسمت با توريه موافق است ؟

﴿ عمانوئيل ﴾ قرآن همين قصه را تكرار فرموده و واقع گوئي مينمايد . نميگويد آدم قبل از خوردن از شجره عارف نيك و بد نبوده خداوند اورا بمرگ ترسانيد . آية ١١٥ تا ١٢٠ سورة « طه » تذكار ميدهد « خداوند آدم را از عداوت ابليس واخراج بهشت آگاه فرموده واز مشقت دنيوى ترسانيد . وفرمود در بهشت گرسنه وعريان وتشنه وگرفتار حرارت آفتاب نخواهى شد . آيه ١١٨ سپس ابليس وسوسه نمود اظهار داشت . دلالت نمايم ترا بر درخت جاويد و (ملك لا يبلى) - آيه ١٩ سورة اعراف « وگفت » « يعنى ابليس » نهى نكرده است شمارا خداوند از اين درخت مگر اينكه دو ملك بوده يا پايدار مانيد . پس دلالت نمود آنهارا بفريب وكذب » . آقاى قس . قرآن هم نفرموده . آدم وزنش عارف نيك وبد نبوده از برهنگى خجالت نميكشند . بلكه آيه ٢٦ سورة اعراف متذكر است قبل از خوردن از درخت لباس داشتند سپس از تن انها بيرون آورد — قرآن واقع گوئى مينمايد . كذب

وخدعه را بشیطان نسبت میدهد (هر جا که حقیقت است گفتار خدااست)

﴿ قس ﴾ تمامی این گذارشرا درقرآن دیده وسنجیده ام

﴿ الیعازر ﴾ اقای قس . کدام یک را تصدیق کنیم . قرآن . یا توریة

﴿ قس ﴾ « پاسخ مطلب گذارمانده » هر وقت فکری صاف یافتم خواهم گفت . ای عمانوئیل . « برخوان که حقیقت است تابان »

﴿ خداوند جسم نیست . چیزی براو پنهان نمیشود ﴾

(عمانوئیل) خواندم عدد ٨ تا ١١ باب ٣ « واو « آدم » صوت خداوند خدا را شنید که در هنگام وزیدن نسیم روز در بهشت میخرامید . وآدم وزنش خویشتن را از حضور خداوند خدا درمیان درختان بهشت پنهان کردند ٩ خداوند خدا آدم را ندا درداد وگفت کجا هستی ١٠ او گفت چون آواز تورادرباغ شنیدم ترسان گشتم زیراکه عریانم پس خود را پنهان کردم ١١ گفت تورا که آگاهانید که عریانی آیا ازدرختی که قدغن کردم که ازآن نخوری خوردی » ـ یکمرتبه بی اختیار

گفتم افسوس . افسوس . آه . آه . (کین جمله تمام حیرت آور باشد)

(الیعازر) ای عمانوئیل . وسوسه شیطانیه ات باز گشت نمود . بیانات پرت واظهارات بچسب میداری

(قس) . الیعازر . ازینگونه مذاکرات خودداری کرده وپسرت رابحریّت خود باز دار (هر که تشکیکی کند چاره بجز برهان نیست)

(عمانوئیل) . اقای قس . توریة میگوید خداوند جسم است . میخرامد . برای او صوت میباشد . آدم ازاو پنهان میباشد . بآدم میگوید کجا هستی . تورا که فهمانید که عریانی . مگر از آن درخت خوردی

(قس) این جمله کلام نبوی است ودران مسامحه گردیده . وقت دیگر علّت را توضیح میدهم

(عمانوئیل) مگر کلام نبوی بر مضامین پست ونامعقول جاری میشود ؟ شایسته علم . ادب . جلال خداوند . شرافت نبوت است تا در اینگونه مسامحه شود ؟ . باانکه . (شایستهٔ گفتار ادیبان هم نیست)

﴿ قس ﴾ امید است « مفهّم شوی از کلام یزدان »

خداوند است قادر یکتا

(عمانوئیل) خواندم عدد ۲۲ تا ۲٤ باب ۳ « وخداوند خدا گفت همانا آدم مثل یکی از ما شده است که عارف نیک وبد گردیده اینک مبادا دست خود را دراز کند وازدرخت حیوة نیز گرفته بخورد وتاابد زنده ماند ۲۳ پس خدا اورا از باغ عدن بیرون کرد . وبطرف شرقی باغ عدن شمشیر آتش بار که بهر سو گردش میکرد قرار داد تا طریق درخت حیوة را محافظت کنند — اعداد مذکور خاتمه یافت بی اختیار توریة را بسر میز انداخته وگریه کنان برخواستم آه آه تاکی تا چند بواسطه این سؤالات وحشت انگیز پدرم را اذیّت دهم . نه . نه . ساکت شوم . (بگذار که دل بسوزد ازغم) . کاش نخوانده بودم

(قس) نظریات خود را در این چند شماره اظهار دار . چیست . چیست ؟ من ضامن رضایت پدر بزرگوارت میباشم . واو ازشما ایمان گوارانه نمیخواهد « معذوراست » زیرا بواسطه اشتغال بتجارت . وقلّت ممارست بعلوم وکتاب مقدّس بمواقع سؤالات علمیه شما نمیرسد . انصاف دهیم . حق دارد . این

اعتراضات بزرگ شما بدو باب کوچک توریة شخص غافل را عصبانی مینماید

﴿ عمانوئیل ﴾ معذورم دارید . مدتیست توریة را بتفهم وتأمل خوانده دچار حالات اشکالهای پی در پی بودم . وکسی هم جلوگیر یارافع آنها نبود . اینك بصحبت حضرت قس موفق گردیده ومترصداست بزودی برطرف شوند . اگر مدت زمانی باظهارات علاقه مند برسند حقائق پوشیده خود دراعریان جلوه خواهند داد . چکنم پدر بزرگوارم این پیش آمدنیك را تقدیر نداشته . منهم احترامات اورا کاملاً منظور میدارم . چاره چیست ؟

(الیعازر) عزیزم . اندوه وگرفتگی شما برمن بسیار سخت ودشوار است . میترسم این شکوك از ضلال اوهام بوده وبالأخره سوء نتیجه بخشد . غیرازانکه کمال وثوق را بمراقبت حضرت قس داشته ودارم . امید است از شطحات کلام ویاوه سرائی شما را بازداشته بساحت حقیقت وراستی سوق دهد

(عمانوئیل) بفرمائید مقصود توریة از عدد ۲۲ همانا آدم مثل

یکی ازما شده که عارف نیك وبد گردیده چیست ؟ « ما » چه کسانند ؟ مشاهده نمیفرمائید توریهٔ تصریح بتعدّد آلهـة مینماید در اصـل عبرانی است « یامر یهوه الوهیم » گفت یهوه خداوندان ـ مگر یاء ومیم در لغت عبرانی علامت جمع نیست ؟. حاصل . آنچه از این چند شماره استفاده گردیده آن است . خداوند جلّ وعلا آدم را مانند خود توانا وعارف نیك وبد مشاهده نموده ودر این امر عاقبتی وخیم دید . از نهضت واستقلال در سیاست او خائف گردیده . پیش بینی فرمود وشمشیر آتشبار چرخان را بر محافظت درخت حیوة گمارد « این گفته گر از خدا است . بر گو . بر گو »

(قس) آهسته . آهسته . سخت باحرارت سؤآل مینمائی . اشکالات پی در پی . ایرادات سر ریز شما بدو کلمه برطرف خواهد شد

﴿ عمانوئیل ﴾ . پدر . منصفانه . اگر بتوریهٔ ومندرجات آن سابقه نداشتید ودر محضر محترم اینگونه مضامین را بخداوند متعال نسبت میدادند آیا تکذیب نمیداشتید ؟

—﴿ قرآن کریم ﴾—

(اليعازر) تورية را كلام خداوند دانسته ولازم است از هر نوع اعتراضات چشم پوشي نمايم - نميدانم در قرآن هم (قصه) بهمين اسلوب بيان گرديده است ؟

﴿ عمانوئيل ﴾ چندين مرتبه بان مراجعه داشته از اين مندرجات شرك آور منزه است . موجود است مراجعه فرمائيد

(اليعازر) - « خاموش . كه بر تعجب افزود »

﴿ آدم وسر انديب ﴾

(عمانوئيل) درجزيره سر انديب كوهي است موسوم به (آدمس پيك)

(كوه آدم) - وبين اين جزيره وقاره آسيا تلهاى منتظمى است كه ازعبور سفائن ممانعت مينمايندموسوم به (آدمس بريدج)

(پل آدم) - جهت چيست آنها را بآدم نسبت ميدهند ؟

(قس) مسلمانان بنا بر پيروى پيشينيان خود گذاشته وميگويند — آدم پس از اخراج از بهشت بجزيرهٔ سرانديب هبوط نموده وسپس از ان تلهاى منتظم بآسيا آمد آيا ميتوان گفت اين نسبت براى انها بهترين تأييد تاريخى متسلسل است

(عمانوئيل) - حضرت قس - در صورتيكه اظهارات مسلمين مطابق باتوريه نبود آيا شايسته است اقوال آنهارا خرافى وافسانه شمرد !

﴿ قس ﴾ نه . نه . شايسته نيست ومگو

(اليعازر) اى عمانوئيل برخيز دراطاق شخصي خودقدرى استراحت كن

﴿ عمانوئيل وكتب ﴾

(عمانوئيل) - برخواسته ولى دراطراف جواب اخير قس دقت مينمودم تابرابرتخت خواب خود بروى صندلى نشسته بشكلى كه تمامى مكالمات پدرم را باحضرت قس ميشنيدم — ميگفت . اى حضرت قس گذشته ازمجالست بامسلمانان از بيانات عمانوئيل وعاقبت او خائفم . روزى كتاب « اظهار الحق » را برابر اوديده كه بانهايت دقت وفرط رغبت مطالعه مينمود ازاو پرسيدم اين كتاب ازكيست ؟ گفت . دانشمندى بزرگ ازمسلمين - لذا دوستان خودرا ازاين پيش آمد سوء مستحضر نموده . گفتند . كتاب هاشم العربى . ترجمهٔ مقالات جرجيس سائل باتذييلات . كتاب الهدايه مطبوع بمعرفت

مرسلین امریکان . رحلة الحجازیّه بقلم غریب ابن عجیب برای او
خریداری نموده مطالعه نماید . خریده . ولی — متأسفانه
در او ابتهاج واقبالی بمطالعهٔ ان کتب ندیده وفقط وقت
مراجعه سر خودرا بشکل مخصوصي حرکت میداد وآهسته
زمزمه مینمود

(قس) خریداری این کتب برای او خارج از صلاح ومردمی
است . دارای تعصب وخلاف واقع وحق کشي میباشند بالنتیجه
— قرائت آنها « سوء نتیجه » خواهد بخشید

﴿ الیعازر ﴾ پس از چند روز نزد او کتبي دیده با کمال بشاشت
مطالعه مینمود پرسیدم از کیست ؟ گفت راستی تا کنون
دانشمندی در مسلمین بأین شکل عرض اندام نداشته .
وصفحات تاریخ عالمی باین درجه خوش محاوره نشان نمیدهد
ودر احبار یهود وروحانیة مسیحیان هم شخصي مانند اومرد
مطلع بکتب مقدسه نیست . . .

گفتم (تمجید بنه . زکیست ؟ درچیست) ؟ گفت ۲ جزء
الهدی — رسالهٔ « توحید وتثلیث » است . که درمقابل
اظهارات سوء هاشم العربی وجمعیت کتاب الهدایه وعبد

المسیح کندی . تألیف فرموده است ـ آقای قس ـ نمیدانم
عاقبت این یگانه پسر عزیزم بکجا میرسد گویا همین قسم است
که می بینم . نزدیك است دیانت مسیحیه را گذاشته و دین
وحشی وثنی اسلام را استقبال نماید

﴿ عمانوئیل ﴾ شنیدم . گفت نه نه ای الیعازر نمیتوان گفت
دین اسلام وحشی وثنیست . درجواب او پدرم گفت پس
تکلیف من با عمانوئیل چیست ؟

﴿ قس ﴾ ای الیعازر پسرت دارای افکار روشن وتنبهات
سودمند است و بروی اساسی متقن واصلی ثابت تکلم مینماید
. در بند تقلید وفشار تعصب نیست علاقه مند بافکار مردمان
امروزه نمیباشد . در محیط تخمین ومخالفت برهان سیر نمیکند
(چنانچه این مکروب روحی تمام نقاط اروپا را فرا گرفته
است) . بگذار در اطراف افکار خود سیر کند ـــ خوش
باش قائل بمؤثری حکیم وموجدی مختار برای عالم است . تدین
بألهیت اولین قدم وتدین اساسی است . اما اذعان بانبیاء
دومین قدمیست که شخص برداشته ودر فضای تکامل قدم
میگذارد ـــ حال لازم است بدو امر اقدام نموده ونجات

پسرت را خواستارشوی (١) امور کاری دانشمند. بااطلاع خوش محاوره . دور از تعصب . حق بین . منصف ـ برای او تهیه نمائی « ٢ » دست برکت براو گذاشته تاروح القدس دراوحلول نماید ومکنونات را براوابرازدارد

(الیعازر) واقع گوئی نمایم شخصی که جامع این اوصاف وشایسته این مقام باشد (نیست غیراز تومگر لطف توگیرد دستم) — امید است سپس هم جالب توجه عموم مسلمین گردیده وبا فرط رغبت خود را درجمعیت مسیحیان معرفی نمایند

(قس) ای الیعازر — نشنیده ام تاکنون دعوت مرسلی مسیحی درمسلمانان تأثیری حقیقی نماید (جالب توجه است) ـ باآنکه درهندوس مبشری از مسلمانها نیست ومبشرین مسیحیان بایک ملاطفات سرشار وعنایات صحیه ونشر کتب مقدسه بزبان آنها وموافقت در امر ثالوث واقانیم وتجسد أله باتأیید شایانی که بسلطهٔ سیاسیه دارند . موفقیتی حاصل نموده وهندوسیان دسته دسته مسلمان میشوند وتاکنون توجهی بدیانت مسیحیه نداشته اند وهمین شکل درسوادان

افریقا هم موفقیت بامسلمانها است . آیا این امر جالب توجه نمیباشد ؟ !

(الیعازر) سبب چیست ؟

(قس) « بگذارندانیم امر آن را که ندانیم »

(عمانوئیل) کلمات پدرم وحضرت قس رامیشنیدم - وبیانات قس در ضمیر من اثرات نیك وفوائد صالحهٔ ودیعت میگذاشت — برخواستم — مجدداً برانها وارد شده وبعادت سابقه خود نشستم

﴿ قس ﴾ ای عمانوئیل — بخوان

﴿ پسران آدم . توریة . خلل تراجم . تحریف ﴾

(عمانوئیل) خواندم - خواندم تا عدد ۸ باب ٤ دراصل عبری است « ویامر قاین ال هابیل اخیو . ویهی بهیوتم بشده . ویقم قاین ال هابیل اخیو ویهرجو » — ترجمه حرف بحرف) . گفت قائن بهابیل برادرش . وبود ببودن آنها بصحرا . وبرخواست قاین برهابیل برادرش وکشت اورا

بفرمائید مقصود ازاین جملات بریده چیست ؟ چه گفت قائن به برادرش ؟ — چه بود ببودن انها بصحرا ؟

(قس) — بحواشي مراجعه کنید

﴿ عمانوئیل ﴾ درحواشي اشاره بشمارهٔ ۸ نکر دید مگر (بلا پاسوقا) « ۲ »

حضرت قس . حواشي بیموضوع است . یعنی میفرمائید خداوند ازانزال توریة پشیمان شده وسپس حواشي را فرستاد

﴿ قس ﴾ ازتراجم چه موجود است ؟

(عمانوئیل) — ده نسخه — ٤ فارسي - ۱ - ترجمه بروان چاپ لندن سنة ۱۹۰۱ — ۲ — چاپ رچارد واطس لندن سنة ۱۸۳۹ — ۳ — چاپ ولیم واطس لندن سنه ۱۸۵٦ — ٤ — چاپ تومس کنستیل ادن برع س ۱۸٤۵ - عربی - ۵ - چاپ ولیم واطس لندن س ۱۸۵۷ مطابق بانسخهٔ رومیهٔ عظمی س ۱٦۷۱ . — ٦ — موافق در ترجمه فقط ورقهٔ اوّلش افتاده گویا چاپ بیروت است — ۷ — در توزس ۱۸۷ قِطع صفحات آن خاتمه یافته است — ۸ چاپ ۸ در مطبعه امریکانی بیروت س ۱۸۹۷ — ۹ — چاپ ۱۲ — س ۱۹۰۵ - ۱۰ - چاپ دی سارا هوجسون س ۱۸۱۱

﴿ قس ﴾ - تراجم مزبوره دراینجا چه متذکرند ؟

(عمانوئیل) - ۲ - وقاین برادر خودرا گفت (که یا) دراین صورت « که یا » اضافه گردیده . وسایر کلمات هم برای افادهٔ تحریف شده است - ۵ - وقال قاین لهابیل اخیه لنخرج الی الحقل ولما صارا فی الحقل قام قاین علی هابیل اخیه وقتله — ٦ — وقال قاین لهابیل اخیه تعال نخرج الی الحقل - پس . لنخرج الی الی الحقل — تعال نخرج الی الحقل — را افزوده وبقیه را نیز تحریف داشته اند — *ز شاید که بدینوسیله معنی نخشد)* - ۱ - ۳ - ٤ - ۷ - ۸ - ۹ — وکلّم قاین هابیل وحدث اذا کانا فی الحقل ان قام قاین علی هابیل اخیه فقتله — قال . که ترجمهٔ . یأمر است . به . کلّم . ترجمه . یدّ بر . تحریف وتبدیل نموده « وأن » رأ هم برای تعدیل کلام گذاشته اند .. ولی — ۱۰ — ازاین تکلف خودداری کرده بدبختانه ازهر طرف بازمانده است — میگوید — وقاول قاین هابیل اخاه — مراجعه فرمائید — تحریف داشته وکلام هم بهمان حال باقیست — زیرا قائن با برادر خود چه مقاوله داشت ؟! (سرّ مطلب) آن است که دراصل عبری خالی دیده ودراصلاح ان کوشیده اند . ندیده . نرسیده . نسنجیده اند ..

« گفتار خداوند . نه بازیچه ما است » اگرچه ممکن است چون نسخهٔ سامریه ویونانیه دارای این زیاده بود آنها هم متابعت نموده اند ـ آیا اینهم عذر میشود ؟

(قس) مضحك است . میگوئید توریة غلط نازل شده وسپس تصحیح ان بر کاتب سامری واگذار گردید ؟

﴿ عمانوئیل ﴾ ـ آیا میفرمائید خلل در اصل عبریست ـ پس بفرمائید جهت چیست ؟

(قس) حال بگذار . چه گویم بتو . خواهی دانست . بخوان الیعازر بشنود .

﴿ الهدایه . وصدق . وامانت ﴾

(عمانوئیل) ذکر قاین وهابیل یادآوریم نمود صفحه ٤۲ جزء ۲ طبع ۲ (الهدایه) را ازلحاظ محترم گذرانیده کذب وخیانت نویسندگان این جمعیت را بعرض رسانم میگویند ـ قرآن مراعات سجع را برحقیقت مقدم شمرده بمناسبت هابیل قابیل میگوید ـ (آقای من) اشخاصی که برضدّ مسلمین وکتاب آنها عرض اندام کرده ودر عالم دیانت نماینده گان مسیحیانند نبایست بدون مراجعه وتأمل اظهاری داشته کذب

وخیانت خود را ثابت دارند . ونظر بهمین اعتراض چندین مرتبه بقرآن مراجعه نموده لفظ هابیل وقابیل نیافتم

(قس) تعصب بیش از این دنباله دارد - این اشخاص را بحال خود گذاشته صدق وامانت را از دست مده

﴿ بابل — اختلاف لغات ﴾

(عمانوئیل) خواندم باب ۱۱ عدد ۵ - ٦ - ۷ - ۵ وخداوند نزول نمود تا شهر و برجیرا که بنی آدم بنا میکردند ملاحظه نماید ٦ وخداوند گفت همانا قوم یکی است وجمیع ایشانرا یکزبان واین کار را شروع کرده اند والآن هیچ کاری که قصدان بکنند از ایشان ممتنع نخواهد شد ۷ اکنون بیایید نازل شویم وزبان ایشان رامشوش سازیم تا سخن یکدیگر را نفهمند - توریة را تبسم کنان مقابل خود گذاشته - وبا یک حالت مخصوصی بطرف قس وپدرم نگریستم

﴿ الیعازر ﴾ — فرزند — نظریات خود را اظهار دار — بدل مپیچ

﴿ عمانوئیل ﴾ آیا خداوند برای مشاهده بابل محتاج بنزول میباشد ؟ - وبا این همه بسط قدرت اختلاف لغات را متوقف

بنزول خود میداند ؟ ! ـ بفرمائید بچه اشخاص گفت بیایند
فرود آئیم ؟ . و بر تهدید مملکت خود بکه استعانت برد ـ ؟
﴿ قس ﴾ سابقا ـ اظهار داشته و اعتذار نموده ام که توریة
دارای بیانات وحشت انگیز و تعبیر نفرت آور است . بزودی
نفرت مورزید ــ
(عمانوئیل) معروف است (که با مشکل نشاید حلّ مشکل)
تصور مینمائیم بزودی مبادرت بجواب نخواهید فرمود
ـ میدانم ـ برای شما بهترین پاسخی است که با علاقه مندیهای
زیاد بدیانت مسیحی سبقت باین نخواهید داشت ــ گویا ــ
مترصد بدست آوردن فرصتید ـ ولی ـ لب کشا ـ پرده در ـ
افسانه مگو ــ بی ثمر است
﴿ قس ﴾ صبر تلخ است ولیکن بر شیرین دارد

ــ﴿ آتش نمرود ــ ابراهیم پیغمبر ﴾ــ

﴿ عمانوئیل ﴾ مسلمانانرا اعتقاد آنستکه بت پرستان در بابل
آتشي آفروختهٔ و ابراهیم را در آن انداختند ولی آتش اثری
نبخشیده و براو بَرْد و سلامت گردید ـ آیهٔ ۹۵ ـ ۹۶ ـ سورهٔ
صافات ٦۸ ــ ۷۰ ــ انبیاء ــ متعرّض است ــ مجد

خداوندی ـ وشرافت نبوّت را کاملا تذکار میدهد ـ جناب قس ـ با انکه این پیش آمد بزرگترین وقعه است که در دوره زندگانی ابراهیم روی داد چرا توریة اشارهٔ بآن نفرموده است ـ وآیا ـ چون توریة دارای این قصه نیست ـ خرافی وافسانه خواهد بود ؟

﴿ قس ﴾ نه نه ـ زیرا اغلب گذارش وامور مهمه را در تاریخ نبوی ـ خصوص تاریخ ابراهیم ـ اهمال نموده واینمطلب را کاملا از عهد جدید استکشاف میداریم ـ چنانچه توریة نمیگوید که (موسی در وادی طری در اوّلین تکلیم بلرزه در آمد) با انکه در اعمال رسولان باب ۷ عدد ۳۲ ـ است که (موسی بلرزه در آمد وجرئت نکرد نظر نماید) ـ ولی متعرض نیست ـ که موسی در دوّمین تکلیم در طور سینا گفت، (بنهایت ترسان ولرزانم) با انکه عدد ۲۱ باب ۱۲ ـــ رساله عبرانیان ـــ متذکر است (انصاف دهید) ـ ذکر ترسش ولرزش موسی در آن حال عظمت ومجد خداوندی را بچه درجه محسوس میدارد ـــ آیا ذکر اینگونه گذارش لازم نیست ؟ ـــ ذکر عادیات برانها مقدّم است ؟ نیز عدد ٤ باب ۹ ـ رساله عبرانیان ـ در تذکار

تابوت شهادت میگوید درآن حقه طلاکه پرازمن بود وعصای
هرون که شکوفه بادام آورده بود . ولی توریه درمحتویات
تابوت - از حقه طلا ومن وعصای هرون ذکری نداشته
وامریکه نمونه معجزات ویادگار مجد نبوت است اهمال نموده
است (توریه) عدد ۱۸ - ۲۲ - پیدایش - ذکر دوره
زندگانی ومولودهای پی در پی اخنوخ راداشته - ولی از
موت وگفتار نبویش که مهم ترین گذارش او است خود داری
مینماید . بلی عدد ۱٤ رساله یهوذا بأین مطلب اشاره میکند
. ای عمانوئیل . توریه ذکری از مهم ترین گذارش ابراهیم
وتاریخ حیوة . ونبوت . وایمانش دربین النهرین (۱) نداشته
. فقط میگوید - در حران خداوند با ابراهیم سخن گفت واز
ان مکان مأمور بخروج گردید - . . آیا عدد - ۲ - ۳ - ٤ -
باب ۷ - « اعمال رسولان » راندیده اید ؟ که - ۲ خدای
ذوالجلال برپدر ما ابراهیم ظاهر شد وقتیکه دربین النهرین
بود قبل از توقفش درحران ۳ وبدو گفت از وطن خود
وخویشانت بیرون شده بزمینی که تورا نشان دهم برو ٤ پس

(۱) دجله وفرات وطن ابراهیم مابین (کوفه وبصره) است

از دیار کلدانیان روانه شده در حرّان درنگ نمود و بعد از وفات
پدرش اورا کوچ داده بسوی این زمین که شما ها الآن دران
ساکن میباشید - ای عمانوئیل — گفتارهای طولانی
توریه با بنی اسرائیل در وعظ و ترهیب و ترغیب و بشارت
و تخویف است - ذکری از پاداش و حشر بندگان و بهشت
و جهنم . نفرموده و در معارف الهی و تعلیم دینی و سیاست
مدنی . نداده است — نهایت ترغیب — فراوانی گندم
و شراب کشمش . و نهایت تخویف . کمی گندم و شراب »
و وطی دیگران با زن گنه کار است (ای عمانوئیل)
جمعی با تو همدرد و هم آوازند — « ولی برای توریه عذر
بزرگیست » مضحك است که - شیخ غریب - در « رحلة
حجازیه » صفحهٔ ۲۸ اظهار عقیده نموده . بایگریا — توریه
تمامی احوال و گذارش ابراهیم را ذکر فرموده و ذرّهٔ فرو
گذار نیست

(عمانوئیل) . فرمودید . برای توریه در اهمال اینگونه گذارش
عذر بزرگیست (بفرمائید) باانکه برجسته ترین وقایع تاریخی
بشمار میرود از تذکار آن و تذکار سایر حقایق مهمه (اموریکه

خوانده ومتحیرید ومیخواهید بر تحیر شما افزوده خواهد شد)
چشم پوشی نموده است — عذر توریه چیست ؟
(قس) « خود نگویم بتو — تا خود بخود افشا گردد »
(عمانوئیل) « پرده بردار . عیان گوی . حقیقت نمای »
(قس) بتدریج خواهی دانست . عجلة مکن
(عمانوئیل) . آیا . انچه قرآن در قصهٔ — ابراهیم وآتش —
گفته معقول است
﴿ قس ﴾ . تعجب است — گویا — باب ۳ « کتاب دانیال »
را نخوانده — جماعتی که بامر بختنصر . شدرك . ومشیك .
وعبد نغو را در لباسهای خود پیچیده در آتش انداختند تمامی
از شدت حرارت سوخته ولی انها پس از مدتی از آن آتش
افروخته بیرون آمده . وموئی از سر آنها نسوخته وجامهٔ انها هم
تغییر نکرد ونجات یافتند . ای عمانوئیل کتب یهود ذکر
ابراهیم وآتش را نموده وبرای ان اثری تاریخی وتذکاری
روشن است

﴿ اثری تاریخی وتذکاری روشن ﴾

شهر بورسیبا در نواحی بابل است که در این عصر انرا برس مینامند

بورسیبا لفظی است آشوری - یعنی . برج لغات - ونظر بر اینکه در این قسمت اختلاف لغات گردیده این اسم را تذکار نهاده اند لذا آثاری کهنه وشهری دیرینه است وانیمطلب را از کتابت بختنصر که سنهٔ ۱۸٤۵ درخرابهای برج بورسیبا یافته اند کاملاً استکشاف میداریم — نوشته است — بانی این برج اوّلین ملوك . و - فاصله بین او وبختنصر ٤۲ زمان است - وتاکنون دربورسیبا آثار کهنه است که قصهٔ ابراهیم وآتش را بما نشان میدهد -*(درمحلیکه نمرود طرح آتش ریخت)*- قبّه است بر تلّی بزرگ سیاه وخاکستری . که بمرور ایّام پوسیده ومتغیر گردیده است) آیا این تذکار تذکار تاریخی نیست ؟ گذارش پیشین را بچه نحو میتوان بدست آورد ؟

(عمانوئیل) ممکن است . این تل از آثار آتش فشان بوده وسپس خاموش گردیده است

(قس) خیر - زیرا — ۱ — محل آتش فشان کوه . یا — برآمده گی زمین است . ودربورسیبا سوای ان تل خاکستری اثر دیگری نیست - ۲ - ودر صورتیکه قبل از طوفان بوده بدیهی است طوفان اثر انرا محو مینمود - یا بعد - پس تواریخ

همچو آتش فشانیرا ذکر میداشتند . . . ـ دیگر آنکه ـ بین طوفان و بنای بورسیبا مدت زمانی نبوده است ودراینصورت چگونه بوسیبا وهیاکل بتان را دراطراف آتش فشان بنا مینمودند ـ اگر هم ـ خاموش بود پس « عمران » این منظره زشت را باقی نمیگذاشت — این است بابلیان بر پرستش وبزرگترین خدمات خود تذکاری نهاده ودر برابر بتهای خود این اثر را گذاشته اند

﴿ اضطراب نسخ تورىة . وانجیل درنسب ﴾

(عمانوئیل) خواندم تا عدد ١٢ باب ١١ پیدایش « ارفکشاد سی و پنجسال بزیست شالح را آورد » ـ با انکه ـ باب ٢ عدد ٣٦ انجیل لوقا (قینان را بین شالح وارفکشاد واسطه قرار داده است ـ میگوید ـ شالح ابن قینان ابن ارفکشاد ـ و بهمین قسم تورىة سبعینیة ـ بلکه تصریح بمقدار عمر قینان قبل از ولادت وبعد از ولادت شالح نموده است ـ آیا ـ نقصان از تورىة عبرانیه وتراجم است . یا . زیاده از لوقاء وتورىة سبعینیه ویونانیه ؟ — درهر حال — اینگونه اختلافات برای ما سوء انعکاسی خواهد بخشید ـ چون وبال تکذیب هر یک

برما است

(قس) — جزء ۳ صفحهٔ ۲۱۲ (الهدایه) اعتذاری ازاین اختلاف خواسته . مراجعه نموده اید ؟

﴿ عمانوئیل ﴾ نویسندهٔ ۱ « الهدی » کاملاً دراینموضوع هم بحث فرموده اند آیا جزء ۲ صفحهٔ ۳۶ — ۳۸ انرا مراجعه فرموده اید ؟

(قس) اعتراضاتش را دیده و . باکمال دقّت سنجیده ام — (گویم انراکه توگوئی اکرم فرصت بود) — ولی — « مجد مکتوب به ازمدح نویسنده بود » ،

—﴿ خیر مقدم ﴾—

﴿ عمانوئیل ﴾ دراین اثناء یکنفر ازعلماء نجف نما وارد شده وبرعدّهٔ ما افزود —

﴿ عالم ﴾ . جناب قس — آیا روحانیین نصاری بکتب عهد قدیم وجدید مراجعه مینمائید ؟ — . ودرصورت مراجعه — ایا بصرف مترجم اکتفاء نموده یاباصل عبری هم مراجعه میکنند ؟

﴿ قس ﴾ — بدیهی است اصل عبرانی راهم میخوانند — آیا

ممکن است علماء مسلمین قرآن را بلغت اصلی خود مراجعه ندارند؟

(عالم) تعجب است . زیرا اغلب را دیده ام . گویا . مندرجات عهدین سابقه نداشتند

﴿ قس ﴾ — از روحانیین ما ؟ — شایسته نیست که در عدهٔ روحانیین شمرده شود . . .

(عالم) اشخاصیکه در نظر است -- هاشم العربی — جمعیت الهدایة - مرسلین امریکا بمصر .

« قس » ، چگونه ممکن است - این اشخاص -- علمائی هستند که سرقدم ساخته برای دعوت و جلوگیری از حملات مسلمین عرض اندام نموده اند . لذا — از طرف مسیحیین موظف گردیده کتب ونشریات آنهارا تقدیس وتقدیر مینمایند . . .

﴿ عالم ﴾ -- در توریه ندیده اند ، عدد ۱۳ باب ٤٦ - پیدایش متذکر است - که شمرون یکی از اولادهای یساکر ابن یعقوب میباشد وعدد - ۲۳ باب ٤٦ - سفر اعداد - را مراجعه نداشته اند ؟ که عدهٔ زیادی از قبیلهٔ شمرون ابن یساکر باموسی همراه بود

-- ﴿ سامری در عربی . شمرونی در عبری ﴾ —

(عالم) نسنجیده اند ، که سامری ، مذکور در قرآن نفری از شمرونیا نیست که باموسی همراه بود - وسامری تعریب شمرونی است . . . .

(قس) ازاین نکته غفلت نموده ندانسته اند . . . که سامری تعریب شمرونی است . . - وتوهم - نموده که سامری منسوب بشهر سامره است وانرا قریب به ۵۰ سال پس از سلیمان یکنفراز ملوك استرائیلیان « عمری » نام بنا کرده وبسامره موسوم داشت - پس : بنا وحدوث نسبت - ۵۷۰ سال پس از قصه گوساله است . .

- این است - جمعیت الهدایة درجزء ۱۰ ، صحفهٔ ۳۷ انرا تکذیب کرده ومیگویند (ذکر سامری درانموضع دلیل بر جهل تاریخ وعدم اطلاع بتوقیع بلدان است)

ودر جزء ۲ صفحهٔ ۵۵ تجدید مطلع داشته میگویند - که . در عصر موسی سامری یاسامره در بین نبوده واین از تخیلات بعیدهٔ مستحیله میباشد . وتاریخ بنی اسرائیل باکه تواریخ عالم اقوی شاهد وبرهانند و (هاشم العربی) در تذییلات مستقله خود صفحهٔ ۵۵ اظهار میدارد (سامری) درعهد موسی

معقول نیست مگر پس از جلاء بابل کسی بأین نمت منسوب ومعروف گردد) ـ حضرت شیخ بدیهست . درصورتیکه سامری تعریب شمرونی باشد اثبات این مطلب اعتراض انهارا ساقط مینماید . .

﴿ عالم ﴾ . عجب ازنست . نه — از . . .. . گویا تجاهل میفرمأید ؟ مراجعه فرموده اید — شهریست که در لسان عرب به ـ سامره ـ مشهور ودراسفار . ملوك اوّل . ثانی — اشعیا — ارمیا — عاموس — میخا — عزرا ـ نخمیا ـ بیش از شصت مرتبه تکرار گردیده ودر اصل عبری — شمرون ـ است و (نیز) یونانی . انکلیزی . فرانساوی . و و و بالاخص تراجم . لوقا . یوحنّا . اعمال رسولان . . . ﴿ بجز اغلب تراجم فارسي وعربی ﴾ انرا — شمرونی — نامیده اند — بنابرین است سامری تعریب شمرونی است ودر . کره — شهری . یامحلی . یاشخصي — نیست که در عبری . انرا سامره یاسامری نامند — پس . « سامری » درقرآن شخصي منسوب بشمرون ابن یساکر است نه منسوب بشهریکه — عمری — بنا نمود — لذا میگویم — « هرکه

تکذیب کند بیهده تکذیبش کن » ـ بشنوند ـ (جاهل تمسخری
نکند جز بنفس خویش)

(قس) — قبل ازاین اظهارات بمهدین مراجعه داشته و در
اصل عبری و سایر لغات سوای بعض نسخ فارسی و عربی
— شمرون — نوشته اند بلکه در ترجمه . ولیم گلن . و بعض
تراجم قدیمهٔ عربی . هم تعریب نداشته و بلفظ اصلی خود ـ
شمرون — نوشته اند « حضرت شیخ » واضح است که
سامری تعریب شمرونی و « سامری » نفری از شمرونیانیست
که توریه اورا در عدّهٔ قشون موسی میشمارد . — از تجرّیات
این جمعیت و و و دلتنگ مباش ﴿ مجد قرآن تو . تکذیب
کند آنان را ﴾

—﴿ توریة . هارون . گوساله ﴾—

﴿ عمانوئیل ﴾ . حضرت شیخ . ممکن است ، مهم در
انجام عرایض خودرا بایك حرّیت کاملی بعرض رسانم .

﴿ عالم ﴾ از ادانه مکنونات خودرا اظهار دار . .

(عمانوئیل) — قرآن متذکر است « سامری » که یکنفر از
شمرونیان واولادهای یساکر ابن یعقوب است گوساله

ساخته وبنی اسرائیل را به پرستش ان دعوت داشت — ولی
- در تورة باب ۳۲ « سفروج » نوشته است
پس از انکه در مراجعت موسی تأخیر افتاد بنی اسرائیل بهارون اظهار داشتند « برای ما خدایانی ساز تا برابر ما بخرامد » لذا « هارون گفت گوشوارهای طلارا از گوشهای زنان ودختران وپسران خود را بیرون کرده وبیاورید . پس آورده وبرای انها گوساله ساخت وبه پرستش ان دعوت نمود وسپس برای اجرای رسوم عبادت قربانگاهی درمقابل گوساله مقرر داشته وگفت « فردا حج کنید پروردگار خودرا » - حضرت شیخ - هارون برادر موسی واز سبط - لاوی - است . وسامری . از سبط یساکر ابن یعقوب ومناسبتی در بین نیست

﴿ عالم ﴾ عمانوئیل ، از خلل داخلی وخارجی تورة صرف نظر کرده ودراین موضوع بوجدان خود مراجعه میداریم — درصورتیکه هارون تأسیس شرك وبت پرستی نمود چگونه خداوند اورا « پیغمبر » فرموده بدستورات مقدسه وحکم وتوحید تکلم میدارد — گاهی است که باموسی در مقام تکلیم مخاطب گردیده - وگاهی منفرد درمقام قرب وحی

آلهیه مفتخر است (باب ١١ - ١٤) سفر لاویان ٢ - ٤ — ١٨ — ١٩ سفر اعداد ، مراجعه شود . وچگونه در حالتی که گوساله میساخت وبعبادتش دعوت میداشت خداوند اورا برای کهانت وامانت مقرر فرموده قبل ازاین ارتکاب و(بعد) بکراماتی سرشار اختصاص میدهد وبرای اورختهائی بیک طرز مخصوص دستور داده که پارچهٔ ان از طلاء لاجورد . ارغوان . قرمز وکتان نازک تابیده . زنگوله منگوله گردد و و و . وبرای تقدیس او دانایان را امر مینمود وبان خلعتش میفرمود باب ٢٨ و ٢٩ سفر خروج قصه را بیک اسلوب خاص بیان نموده جالب توجه است مراجعه فرمائید . ای عمانوئیل . - بین ان مکانیکه خداوند بموسی وحی کرده وهرون را تقدیس داشت وبکرامت وامامتش مفتخر فرمود وفرودگاه هارون واسرائیلیان مسافتی نبوده اگر در انحال ازاین اقدامات زشت بی اطلاع بود سپس چرا تقدیسش نمود ؟ واگرهم اگاه بود — چرا تقدیسش فرموده وچنین شخصی را بامامت وحافظ اسرار حکمت منصوب ومعرفی مینماید ؟ - (خائنان را نکنند محرم اسرار حکیم) . .

— سليمان — عهد قديم —

﴿ عمانوئيل ﴾ بديهى است خداوند محيط وعالم است — ودرعدد ۷ و ۸ تصريح ميفرمايد ۷ خداوند بموسى گفت روانه شده بزير برو زيرا كه اينقوم كه از زمين مصر بيرون آورده فاسد شده اند ۸ وبزودى ازآن طريقيكه بديشان امر فرموده ام انحراف ورزيده گوساله ريخته شده براى خويشتن ساخته اند ونزد ان سجده ميكنند — ولى — حضرت شيخ انچه از كتب وحى خود استفاده ميدازيم . شرك درقداست انبياء مضر نميباشد (چنانچه) كتب مقدسه متذكرند ـ خداوند سليمانرا پيغمبرفرموده واسفار حكمت وجامعه ونشيد . براو وحى نمود ـ وبتعمير بيت المقدس سر افراز فرمود (كه بدستهاى خودت نه پدرت (با انكه پدرش تصميم براين امر داشت) خانه رابساز ومجد خود را براو اظهار داشته بداود گفت (سليمان كسي است كه خانه من وصحنهاى آن رابنا خواهد نمود زيرا كه اورا به پسرى خود اختيار كرده ومن پدراو خواهم بود) عدد ٦ باب ۲۸ كتاب اوّل تاريخ ايّام مراجعة شود . وقريب باين مضمون هم در باب ۲۲ كتاب مزبور . وباب ۷ سفر

صموئیل ثانی) است - ولی - باب ۱۱ کتاب اوّل پادشاهان سلیمان را یك نفر مشرك گمراه معرفی میدارد - که سلیمان زنهای مشرکه را تزویج داشت ٤ و در وقت پیری سلیمان واقعشد که زنانش دل او را به پیروی خدایان غریب مایل ساختند و دل او مثل دل پدرش داود با یهوه خدایش کامل نبوده پس سلیمان در عقب عشتورت خدای صیدونیان و در عقب ملکوم رجس عمونیان رفت ٦ و سلیمان درنظر خداوند شرارت ورزیده مثل پدر خود داود خداوند را پیروی کامل ننمود ۷ انگاه سلیمان در کوهیکه روبروی اورشلیم است عمارتی بلند بجهة کموش که رجس موابیان است و بجهت مولك رجس بنی عمون بنا کرد ۸ و برای بتهای زنان خود مانند آن عمارت بنا نمود (کتب وحی ان عمل زشت را مکرّر بسلیمان نسبت میدهند)

ونیز - درعدد ۱۳ باب ۲۳ . کتاب دوّم پادشاهان است . .

« حضرت شیخ » بنا براین اشخاصیکه در یك قسمت ازدورهٔ زندگانی خود مشرك میشوند مخصوصاً خداوند آنهارا به پیغمبری مبعوث خواهد داشت - پس - حال هارون و سلیمان باخدای خود یکی است وفرقی در بین نیست

(عالم) خوبست بحث را بحال خود گذاشته ومطلب را بیك طرز بسیار ساده تقویت نمائیم (شخصي عازم مسافرت است) وبرای سرپرستی زنان ودختران وخواهران خود درصدد انتخاب وکیلی است که اضافه بر تعلیم اخلاق . « عفت وحیا » حفظ ناموس وشرافت اورا نموده جلوگیر از افساد بدکاران وبی پرده گی آنان هم بوده « سوء نظری در اطراف این وکالت اعمال ندارد » —

حال ممکن است زنیکه میداند در آتیه نزدیکی زانیه خواهد شد وخانواده اورا هم بزناء وادار خواهد نمود برانها گماشته ومسافرت نماید ؟ مخصوصاً درصورتیکه بداند این زن بی شرمانه بر زناء وهرگونه ترغیب بسوء مداومت کرده وبالاخره فامیل اورا تسکین میماید در این صورت چگونه چنین زانیه را تمجید داشته وبامانت معرفی میدارد —

﴿ عمانوئیل ﴾ . بدیهی است مردمان عادی هم باوتامین نخواهند داشت . . .

(عالم) پس چگونه خداوند . عالم . حکیم — شخصي — شرور ومشرك را بصلاحیت ودرستی به بنده گان معرفی

فرموده ـ واجرای احکام واصلاح . وشریعهٔ مقدسه را
ازاومترصد خواهد بود . آنهم بسوء سریره خود تظاهر
نموده ومردمان را بپرستش گوساله مصنوعی دعوت نماید
یابتکده ها بسازد

(عمانوئیل) . راست وروشن است که اینگونه متناقضات
کتاب آسمانی نبوده . مجد خداوندی . حکمت الهیه .
شرافت نبوت . با این مندرجات شرك آور ذرهٔ ساز گار نیست
. بلکه . بقلم یکنفر مؤمن عارف هم تحریف نگردیده است

(الیعازر) . حضرت شیخ ـ آیا قرآن شما ذکری ازهرون
وپرستش گوساله میکند ؟

(عالم) — قرآن آیهٔ ۹۲ طه و۱٤۹ (اعراف) تذکار براین
قضیه فرموده هرون را منزّه ومبرّا میشمارد درسورهٔ طه
(ولقد قال لهم هرون یا قوم انّما فتنتم به « یعنی العجل » وانّ
ربّکم الرّحمن فاتبعونی واطیعوا امری قالوا لن نبرج علیه
عاکفین) ودرسورهٔ اعراف (إنّ القوم استضعفونی وکادوا
یقتلوننی فلا تشمت بی الأعداء ولا تجعلنی مع القوم الظالمین)
میفرماید — هرون هرچند قوم خود را ازاین اقدام نهی نموده

باطاعت و پرستش خداوند دعوت میداشت در انها تأثیری نداشته و بقتلش تهدید مینمودند لذا درمقام تضرع برآمده و به موسی بیان حقیقت مینماید — کجا قرآن میفرماید . « هرون عبادت گوساله نمود ؟ » ؟

—﴿ کتاب ثمرة الأمانی ﴾—

(الیعازر) قرآن را تاکنون ندیده ام وفقط دراین موضوع بر کتاب ثمرة الامانی چاپ مطبعهٔ امریکائی ببولاق مصر سنهٔ ۱۹۱۱ اعتماد نموده ام صفحهٔ ۷۹ انرا مراجعه فرمائید

﴿ عمانوئیل ﴾ من هم این کتاب را دیده ام . گویا . روایت بعض مبشرین است که بساحت قرآن افتراء زده اند . ودر صفحهٔ ۷۸ هم نیز افترائی شرم آورزده ومیگویند در قرآن است « که داود میش برادر خودرا گرفت وابراهیم بت پرست بود » — پدر — قرآن موجود است آیهٔ ۲۲ و ۲۳ سورهٔ صٓ مکیّه قصهٔ قضاوت داودرا تذکار داده وسورهٔ بقرة آیهٔ ۱۲۹ آل عمران ۶۰ و ۸۹ وانعام ۱۶۲ ونحل ۱۲۱ و ۱۲٤ پی در پی ابراهیم را ازشرك منزّه میشمارد (وَما كانَ مِنَ المُشرِكِين) خوانده است

(الیعازر) چگونه میگوئید کتاب ثمرة الامانی روایت بعض مبشّرین است باآنکه این کتاب را مندرجه حقیقت دانسته ودر پشت آن کتاب نوشته اند (حق از روایت دورتر)

(عمانوئیل) . پدر . بنا بر این اظهار علّت چیست چندین مرتبه بقرآن نسبت کذب داده اند ؟ . (خوب) از مضادهٔ آنها باقرآن چشم پوشي مینمائیم . بفرمائید . چرا بتوریهٔ خودنسبت دروغ داده ؟ ومیگویند توریهٔ از تکرار اسم خداوند نهی نموده است صفحهٔ ۸۳ و ۸٤ ثمرة الامانی مراجعة شود - پدر . توریهٔ عدد - ۷ باب ۲۰ سفر خروج وعدد - ۱۱ باب ۵ سفر تثنیة اصل عبری متذکر است « لاتشأ ات شم یهوه الهیك لشوأ کی لاینقه یهوه ات اشیر یشأ ات شمو لشوأ » ﴿ پدر ﴾ باآنکه نویسنده گان در ترجمهٔ این کلام اضطرابی شدید نموده اند . از کلمات مضطرب آنها هم نهیي از تکرار اسم خدا در عبادات استفاده نمیتوان داشت . چنانچه در بعض تراجم است « سوگند مخور باسم پروردگار خداوندت دروغ بدرستیکه پروردگار تزکیة نمیکند کسیکه قسم بخورد بنامش دروغ » ترجمهٔ دیگر منقول ثمرة الامانی « نطق مکن بنام پروردگار

خداوندت باطل بدرستیکه مبرّا نمیکند کسیکه نطق نماید نامش
باطل » ولی ترجمهٔ حقیقی « قصد مکن نام یهوه خداوندت را
بسوء بدرستیکه خداوند مبرّا نمیکند کسیکه قصد کند نامش را
بسوء » - پدر - گویانویسندهٔ این کتاب درمزامیر منسوبه
بداود مراجعه نداشته ؟ وفضل تسبیح وادمان ذکرخداوندرا
نسنجیده است ؟ نام خداوند را تسبیح بخوانید . ای بندگان
خداوند تسبیح بخوانید - خداوند را حمد گوئید زیرا حمد نیکو
است . ترنّم کنید بمجد اسمش و و - ندیده نشنیده ام تاکنون
کسی اعتراضی بکثرت ذکر خدا درمقام تذلّل وعبودیّت
نماید - خیر . خیر . بله . بله شبلی شمیل - دراواخر جزء ۲
(مجموعة) این اعتراض را نموده است . پدر . کتاب ثمرة
الأمانی برمسلمین عیب جو گردیده ودرتسبیح وادمان ذکر
خداوند خصوص بلاأله الّا الله . اظهار استهزاء میدارد . بگذار
. گفته اند (بردامن کبریاش ننشیند گرد) ولی . جهت
چیست با این علاقه مندیهای مفرطی که بتوریه دارد خلاف
واقع را باوهم نسبت داده است . پدر . کارکنان این جمعیت
وطابعین این کتاب برما جنایتی نموده وصدق وامانت را از

مسیحیین برداشته اند . بله . فقط صدق که دراین کتاب است آنست که درصفحهٔ ۸۷ اظهار عقیده نموده میگوید « سر تثلیث فوق عقول ما است . وادراك آن ازمحیط فهم بشر خارج است » . ولی . گویا این نویسنده برکتی درصواب وقول حق ندیده . یاداشت . وجود خداوند . ازلیتش . علت العلل است . عالم بجمیع اشیاء است . خالق زمین وآسمان است . وروز قیامت را فوق ادراك شمرده . وناموس دین وعظمت افکار راهتك نموده است — پدر — وقتیکه نام ان کتاب را شنیدم فرط اشتیاق بمراجعه ان داشته . گفتم . بدیهیست کتابیکه دراهتدآء مسلم بنصرانیت تألیف شود . ومبشرین هم نشر دهند محتوی بردلائل روشن وبراهین بی پرده است . خصوص بقلم یکنفر محصلی . . . . که بوسیله سفائن بسواحل یمن وعمّان مسافرت نموده . وخدمات برجسته بدیانت مسیحی داشته است . (این) تألیف بنزدیکی مسلمانان را بر تنّصر ترغیب مینماید — متأسفانه پس ازمراجعه . دیدم . کتابی است مبتنی بردروغ وافکار پست وتاریک که برخلاف انتظار برادران مسیحی را باسلام دعوت میدارد — راستی

اوقاتی را که در مراجعه این صرف نموده تضییع داشته ام . ولی تضییع وقت در مقابل خجلت وشرم ساری از مسلمین وقعی نخواهد داشت

﴿ عالم ﴾ ای عمانوئیل عقیده شما در مقدمه کتاب ثمرة الامانی واعتراضاتی که نویسنده این کتاب بقرآن ورسول اکرم در صفحه ۳ اشاره نموده چیست ؟ همان طوری است که نویسنده یا مبشرین اشاره نموده اند که در دین اسلام وقرآن اموری طفلانه وخرافات وضلالاتی که مدّت دوازده قرن براصل توحید آویخته وپیچیده — خوب است — قرآن وعهدین حاضر کرده ومندرجات هریک را با حقیقت توحید تطبیق نمائیم تا عریان ومکشوف شود کدامیک دارای امور طفلانه وخرافات وشرک است

﴿ تا چند حقیقت است پنهان ﴾

(عمانوئیل) حضرت شیخ . تعقیب مطلب بیشتر موجب خجلت ومورث اندکاك این جانب است . متمنی است از این مذاکره صرف نظر فرموده . کلام سابق خود را تعقیب داریم

— ﴿ افسانه غرانیق ﴾ —

﴿ عالم ﴾ « بر گو که حقیقت است تابان »

﴿ عمانوئیل ﴾ پیغمبر مسلمین در مکة سورة نجم را در محضر بت پرستان تلاوت نموده وپس از تلاوت این آیة « ارأیت اللات والعزّی ومنات الثالثة الأخری » بتها را باین اسلوب تمجید میدارد - تلك الغرانیق العلی . منها الشفاعة ترتجی - بفرمائید چگونه خداوند شخصیکه مادح بتان بوده ودر چنین محضری مشرکین را تقویت نموده است برسالت مبعوث خواهد داشت

(عالم) خود شما این قصه را در قرآن یا در اخبار متواتره دیده اید ؟ یا سندآن روایت بثقات متصل است تا ثقاتی که واقعه را مشاهده داشته وبرای دیگران روایت نموده اند وشنیده اید که مسلمین بران اعتراف نموده وراویانش نزد عموم بدیانت وامانت معروف باشند ؟

﴿ عمانوئیل ﴾ هیچیك ازانها در بین نیست . بلکه جماعت شیعه این قصه را دروغ وباطل وکفرآور میدانند — وازاهل تسنن هم — نسفی میگوید قول بآن مرضی نیست . بیضاوی . قول بآن نزد محققین مردود است . خازن . در تفسیر خود میگوید علماء اصل قصه را موهون دانسته اند (چون انرا ازاهل

صحت روایت نداشته وثقتی باسناد صحیح یا سلیمی اسناد نداده است) فقط روایتی از بعض مفسرین و مؤرخینی که بذکر هر قصه غریب ونا معروفی شعف داشتند ودر صحت وسقم خبر کنجکاو نبودند وتقلباتی که در روایت این افسانه است با انقطاع سند دلیل واضح بروهن است . قاضي عياض . آنرا انکار نموده ومانند خازن گفته است . درسیرهٔ حلبیه . جمع زیادی این قصه را مطعون دانسته واز باطل شمرده اند وبساختگی زنادقه نسبت داده اند « رازی » در تفسیر خود . این قصه باطل جعلیست وقول بآن جائز نیست « بیهقی » راویان این قصه هیچیک آبرومند نیستند « نووی » امّا آنچه از بعض اخباریین ومفسرین مرویست که سبب سجود بُت پرستان با پیغمبر ثناء آنحضرت بر بتان است باطل واز جهت عقل ونقل شایسته نیست « سید احمد دحلان » در سیرة . قصه غرانیق را بعض محدثین ومفسرین نقل نموده وجماعت زیادی گفته اند دروغ وبی اصل است . واشخاصي که نا قلند میگویند . کلام پیغمبر نبوده بلکه گفتار شیطانیست که بسمع مشرکین رسیده ولی گوشهای مسلمین نشنیده است - قولیست — که بعض بُت پرستان

در بین تلاوت این آیه بأین کلمات جسارت ورزیده اند —

حضرت شیخ - بعض مفسرین برای اظهار اطلاع وفضل تشبث بواهیات کرده وقصهٔ غرانیق را سبب نزول آیه « وما ارسلنا من قبلك من رسول ولا نبیّ » در سورهٔ حج دانسته واین سوره را مکّیّة شمرده ومیگویند در شب قصهٔ غرانیق سال پنجم نبوّت نازل شد . باآنکه تمامی سورة حج مدنیه است . چنانچه ابن عباس . ابن زبیر . قتاده . ضحاك . و . و . و . و . روایت نموده اند ودر صورتیکه از روایت انها صرف نظر داریم وضعیات دیگر عیا نشان میدهد که سورهٔ حج مکّیه نیست . زیرا دراین سوره ذکر واقعهٔ صدّ ومنع ازمسجد الحرام است واین واقعه پس ازهجرت است . نیز دراین سوره خداوند امر بحج واذن درقتال وامر بجهادفرموده است وبدیهی است هریك پس ازسنینی بعد ازهجرت میباشد — حضرت شیخ — اضطراب این حکایت وتناقض روایات انرادرجزء اوّل کتاب الهدی صفحهٔ ۱۲٤ تا ۱۲۸ دیده وبران قدری هم ازاطلاعات خارجی افزوده ام

﴿ عالم ﴾ — عمانوئیل — بااین وضعیّات چگونه اظهار

عقيده نمودید که حضرت پیغمبر (تلك الغرانیق) را سرود است

(عمانوئیل) . معذورم . زیرا دربد وامر این حکایت را در جزء اوّل « الهدایه » صفحهٔ ٦٢ دیده وانرا بصورت واقع جلوه داده بود . میگوید ابن عباس وتمامی مفسرین ازمتقدم ومتأخر براین قائلند . مجدداً رحلة الحجازیّه شیخ غریب را مراجعه داشته دیدم انرا بمفسرین اسناد میدهد . اینست اعتماد برجمعیت کتاب الهدایه ونویسنده رحلة الحجازیّه نموده و گفتم حکایتی است که اجماع مسلمین برصحت آن است . غافل از انکه بر هر نویسنده نباید اعتماد داشت . سپس تتبعات بسیار در اطراف این حکایت کرده وانرا افسانه ودروغی بی منشأ یافتم . زیاده براین . اینکه در کتب دیده ام هرگونه اخبار ضعیف وسقیم ومنقطع و . و . راروابت میدارند . حلبي . در اوّل سیره اش براین تصریح نموده . ودر عیون الأثر سیره حافظ یاد داشت میدهد . گروهی از دانشمندان تساهل در اخبار وحکایات را جائز میدانند . ابن عراقی گفته است

ولیعلم الطالب انّ السیرا * تجمع ما صحّ وما قد انکرا

(عالم) . ای عمانوئیل . چیست وکدام یک اعتماد وعلاقه مندی شمارا ازمندرجات کتب جمعیت وسائرمبشرین برداشت

(دروغهای جمعیت « الهدایة » وهاشم العربی وغریب ابن العجیب)

(عمانوئیل) اموری که مرا متنبه گردانید ازکه صفحه ۷ ذکر شده . که جمعیت « الهدایة » گفته اند . خداوند در توریة فرمود . « خداوند روز هفتم را مبارک گردانید واورا تقدیس نمود » با انکه این کلمات بعینه در توریة موجود است ـ دیگرانکه — درصفحه ۲۸ اشاره شد که گفته اند قرآن مراعات سجع را برحقیقت مقدّم دانسته قائن را قابیل بر وزن هابیل نموده است . با انکه در قرآن هابیل وقابیلی در بین نیست

دیگرانکه هاشم العربی درصفحه ۱۱ چاپ اوّل ازتذییلاتیکه بر مقاله « جرجی سایل » است . وغریب ابن العجیب صفحه ۹۷ رحلة الحجازیه نوشته اند « درسفر پیدایش توریة است » (اسمعیل پس ازمرگ ابراهیم . آمد » واورا دفن نمود) با انکه لفظی بمعنی « آمد » دراصل عبرانی توریة وهیچیک از

تراجم موجود نیست . وانها اعمال غرض فاسدی نموده لفظ « اتی » بمعنی « آمد » را افزوده اند . چنانچه جزء ۲ کتاب الهدی صفحهٔ ۹۵ سطر ٤ تا ٦ وصفحهٔ ۱۰٤ متعرض است . مراجعه فرمائید . انچه توریة دراین موضوع متذکر است عدد ۸ و ۹ باب ۲٥ سفر پیدایش « ابراهیم باشیبه صالحی پیر وسیر شده مرد وبقومش ملحق گشت وپسرانش اسمعیل واسحق اورا درمغاره مکفلیة دفن نمودند »

﴿ عالم ﴾ در بعض تراجم عربی است « شیخاً وشبعان ایّاماً » یعنی . پیر وازروزگاران سیر » چرا لفظ « ایّاماً . روزگاران » راانداختید ؟

﴿ عمانوئیل ﴾ میخواهید بر توریة افزوده ودر این قسمت هم پیروی هاشم وغریب وامثال انهارا نمائیم ؟ زیرا انچه در اصل عبرانی است « ایّاماً . روزگاران » نیست واصل . « ويمت ابراهام بشيبه طوب زقن وشبع ويأسف ال عميو » مقصود از « شبع » (سیر) ـ توانگراست

﴿ عالم ﴾ مترجمین هم زیاده مثل این زیاده بر اصل عبرانی افزوده اند ؟

(عمانوئیل) درخصوص اسفار توریهٔ پنجگانه بیشتر از شصت
کلمهٔ افزوده اند . نسخهٔ ۷ صفحه ۲۶ معدوده باین کلمات اشاره
نموده است . ودر بین کلمات ان کلمات بحرف کوچك مطبوع
است . بعضي ازجهت نقصان تصحیح داشته وبعضي از روی
جهل بدلخواه بازیچه خود قرار داده اند

﴿ خطاب خداوند بأبراهیم . واختلاف عهدین ﴾

﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم تا عدد ۳۱ وتمام باب ۱۱ رسیده .
گفتم . آقای قس . توریهٔ تاکنون از گذارش وایمان وتوحید
ونبوت ابراهیم وخطابهائی که خداوند در بلداو بین النهرین
« فرات . ودجله » براوفرموده واورا برگزیده ذکری نداشته
. فقط میگوید « تارح پسرش ابراهیم ونوه اش لوط وساره
زن ابراهیم را برداشته واز « اور کلدانیان » بطرف اراضي
کنعان متوجه شدند پس بطرف « حاران » آمده ودرانجا
اقامت نمودند وتارح در انمحل مرد » سپس در باب ۱۲ است
« پس خداوند بابراهیم گفت از ولایت خود واز مولد خویش
وازخانه پدرت بزمینیکه تورا نشان خواهم داد برو — ابراهیم
رفته ولوط هم خدمت بوده او حرکت نمود » وابراهیم در

موقعیکه از حاران بیرون رفت هفتاد وپنج ساله بود . واو
زن خود ساره وبرادر زاده اش لوط وتمام اموال اندوخته
با اشخاصیکه در حاران بهم رسانیده بود برداشته وبعزیمت
زمین کنعان بیرون گردیده وبزمین کنعان داخل شدند ،
آقای من - دراوائل باب ۷ اعمال رسولان است که « خداوند
ذو الجلال بر پدر ما ابراهیم ظاهر شد وقتیکه در بین النهرین
بود قبل از توقفش درحاران وباو گفت ازوطن خود وخویشانت
بیرون شده بزمینیکه تورا نشان میدهم برو — پس از دیار
کلدانیان روانه شده درحاران درنگ نمود » — بفرمائید در
صورتیکه خطاب خداوند بابراهیم در بین النهرین بود چگونه
توریة انرا نقل بحاران نمود . واگر درحاران است کتاب اعمال
رسولان عهد جدید چه میگوید ؟ . ولی . همین خطاب
گوشزد میدارد که زمین وعشیره وخانهٔ پدر ابراهیم در بین
النهرین بوده است . واین مطلب هم بدیهی است چون حاران
زمین ابراهیم نبوده ودران عشیره نداشت . بلکه او وپدرش
ولوط وساره درحاران غریب بودند — نمیدانم چرا توریة
اشتباه مینماید ؟

﴿ قس ﴾ — عمانوئيل — (انچه نخواهی شده . بگذر . بخوان)

— ﴿ شك ابراهيم ع در تورية . وكلام پريشان ﴾ —

﴿ عمانوئيل ﴾ خواندم تا باب ١٥ - ازعدد ٨ تا ١٢ « خداوند بأبراهيم فرمود من خداوندی هستم كه تورا ازاور كلدانيان بيرون كرده تا اين زمين را بتو ببخشم وتو وارث آن گردی . گفت بچه علامت يقين كنم وارث اين زمين خواهم شد . فرموذ بياور گاو سه ساله . بز سه ساله . گوسفند سه ساله . كبوتر حمام ويمام را . پس آورده وهريك را نصف نموذ وهر نصفی مقابل ديگری گذارد سوای كبوتررا

پس جوارح لاش خور براين لاشه ها فرودآمده ابراهيم انهارا رد مينموذ » - گفتم - جناب قس - اين نوع بخشش وانتقال زمين ازملك قومی بديگری ازامور عاديست . ﴿ خوب ﴾ خداوند بأبراهيم فرموذ اين زمين را بتو ببخشم وتو وارث ان گردی . چگونه ابراهيم شك نموذ وگفت بچه علامت يقين كنم وارث اين زمين خواهم شد . آيا وعدهٔ خداوند يقين آور نيست ؟ ابراهيم ايمان بخداوند نداشت ؟ — آيا مار

راستگوی ناصح چنانچه نزد حوّا رفت نزد او آمده ؟
بابراهیم هم گفت وارث این زمین نخواهی شد وچنانچه بآدم
گفت « روزیکه ازان درخت بخوری خواهی مرد » این وعده
هم بی اساس بود ؟

این جمله را گذاشته . بفرمائید بالأخره علامتی که حضرت حق
بابراهیم داد چه بود ؟ تا ازآن علامت ابراهیم هم بصدق وعد
مطمئن شود . نمی بینید مذاکره علامت صرف لقلقه وکلامی
دم بریده است ازاو چیزی بدست نمیاید . بیان بی ثمریست
وپیوسته نیست ـ خداوند که نفرموُد این حیوانات را دونصف
نموده کبوتر را دونصف مکن . پس ابراهیم بچه سبب اینقسم
نموُد ؟ آیا کلام خداوند اینگونه پریشان وتوریهٔ حقیقی این
شکل است ؟ ازخداوند وپیغمبران وکتابهای او دور میباشد

—﴿ ایمان ابراهیم ع . ودلیل روشن قرآنی ﴾—

(قس) بنظرم میرسد در اطراف حدیث ابراهیم قصه هم بهمین
اسلوب در قرآن مسلمین اواخر «سورهٔ » بقره » است

﴿ عمانوئیل ﴾ : بله . آیهٔ ۲٦۲ (واذ قال ابراهیم ربّ ارنی
کیف تحیي الموتی قال اولم تؤمن قال بلی ولکن لیطمئن قلبي

قال فخذ اربعة من الطیر فصرهن الیك ثم اجعل علی کل جبل منهن جزءاً ثم ادعهن یأتینك سعیاً)

﴿ قس ﴾ . عمانوئیل . این کلام چه قسم بنظرت میرسید

(عمانوئیل) کلامی باانتظام . پیوسته مفید . دلیلی روشن وحجت بزرگیست . ایمان ابراهیم وطلب اطمئنان قلبی ومرتبه عالی ایمان را بمعونهٔ حسّ بیان مینماید . چون احیاء مرده گان امر بزرگیست ومحسوسیّت آن در زیادی ایمان اثر بزرگی دارد ـ ولی ـ « بانکه یهود ونصاری میگویند حکایات قرآن از توریة مقتبس است » چرادر اینکلام پیوسته وبیان سرشار با کلام بریده وپریشان توریة مخالف میباشد؟ سبب اینگونه اختلاف چیست؟

﴿ قس ﴾ چون یکی ازاین دو کتاب وحی خداوند وکلام حقیقی اواست خوب است در این مقام عقل را حکمران نموده . وبسنجید ـــ بگذر ـــ وبخوان

ـــ﴿ فرشته . خداوند . توریة ﴾ـــ

(عمانوئیل) خواندم تا فصل ١٦ پیدایش . عدد ٧ تا ١٤ (در قصهٔ هاجر وبشارت ملائکه اوّرا باسماعیل ومذاکرات ملائکه با او) توریة میگوید « فرشته خداوند اورا نزد چشمه

در بیابان یافت . . گفت باو فرشته خداوند . . . گفت فرشته خداوند » مکرر . پی در پی . تا گفت « فرشته خداوند باو گفت ذرّیت تورا بسیار افزون گردانم بحدّی که از کثرت بشمار نیاید »

گفتم این قول از فرشته دور است . زیادی نسل از خداوند است نه فرشته . چرا توریه خلق وتکثیر نسل را بفرشته نسبت میدهد — از این هم بگذریم — ولی — با این همه تکرار . گفت فرشته خداوند . . گفت فرشته خداوند . . . . چگونه بمد فراموش نموده ومیگوید » ونام خداوند راکه باوی تکلّم نمود (اته إل رئی) خواند ، ترجمه این لفظ عبرانی توخدای دیدنست . مگرتوریه بین فرشته وخداوند تمیزنمیدهد ؟

(قس) در توریه ازاین قبیل بسیار است

(عمانوئیل) (نه مشکل کند حلّ مشکل نه هرگز * خطای فراوان بپوشد خطا را)

﴿ قس ﴾ . نه . نه . بخوان

﴿ ابراهیم . خداوند . ملائکه . توریه ﴾

(عمانوئیل) خواندم تا باب ۱۸ و ۱۹ . قس هم درضمن

قرائت میخندید . مهم در معانی انها فرو رفته . دیدم دارای جملاتی پریشان ومطالبی بیهوده است . بطوریکه در کلّه فرو نمیرود - گفتم جناب قس . نجاتم را ده بفهمانید مقصود توریة ازاین جملات چیست ؟ « اشکار شد خداوند . ابراهیم چشم باز کرد دید سه مرد درمقابل او ایستاده اند . گفت ای آقا اکنون که منظور نظر تو شده ام از بندهٔ خود مگذر . اندک آبی بیاروند تا پاهای خودرا شسته ودرزیر درخت بیار امید . قطعه نانی بیاورم تا دلهای خودتان را تقویت دهید . بالاخره ابراهیم طعامی مهیّا کرده . خوردند سپس بساره بشارت فرزند داده وساره بمناسبت پیری وقطع عادت زنان خندید . خداوند گفت مگر هیچ امری برای من دشوار است . درموعد خواهم برگشت وساره راپسری خواهد شد . پس ان مردان برخواستند ومتوّجه « سدوم » شدند . وابراهیم ایشانرا مشایعت نمود . خداوند گفت آیا انچه میکنم برابراهیم مخفی دارم ؟ پس خداوند گفت چون فریاد « سدوم وعموره » زیاد شده است فرود آیم ببینم بحسب فریادیکه بمن رسیده عمل نموده اند والّا خواهم دانست . انگاه ان مردان بسوی

سدوم رفتند . ابراهیم حضور خداوند ایستاده بود « ابراهیم
وخداوند مکالمات زیادی نمودند » پس از ختم مکالمات
خداوند رفت وآن دوملك بسوی سدوم آمده . لوط آنها را
استقبال داشت گفت بیایید سوی خانه من وپاهای خود را
بشوئید . سپس نان فطیری برای آنها مهیّا کرد خوردند .
واورا بهلاکت ان شهر خبر دادند — هنگام طلوع فجر لوط
را شتابانیده ولوط سستی مینمود آن سه مرد دست او وزن
ودخترانشرا گرفته بیرون کردند . اورا گفت فرار کن .
لوط باها گفت نه آقای من . من بندهٔ توام درچشم تو عزیز
میباشم . پس گفت شهریکه شفاعت نمودی واژگون نمیکنم
. تا آنجا نرسی من نمیتوانم کاری بکنم »

جناب قس — چگونه خداوند بنظر ابراهیم در صورت سه
مرد ظاهر میشود؟ بچه وجه ابراهیم بخطاب مفرد باآنها تکلم
مینماید؟ میگوید « آقای من . درچشم تو . از بنده تو مگذر . باز
چرا بخطاب جماعت خطاب نمود میگوید « پاهای خودتان را
بشوئید . بیارامید . دلهای خودتان را تقویت دهید » توریة
هم میگوید « خوردند » — جناب قس — خورندگان

کیستند ؟ انسانند ؟ یاملائکه ؟ ولی بقول توریة خداوند بود . چون توریة در انعقام میگوید « پس خداوند فرمود چرا ساره خندید چیزی برخداوند دشوار است . خداوند گفت آیا انچه ـ . خداوند گفت ناله سدوم . فرود آیم » مضحک است مگر خداوند محتاج بنزول میباشد ؟ تا ببیند . بداند ؟ ! اگر فرودنیاید نخواهدشنید . نخواهد دید . نخواهد دانست ؟ ! ! خداوند کجا است تا نزول نماید ؟ پس از تکلم باابراهیم کجا رفت ؟ ان سه مرد چگونه دو ملك شدند ؟ چگونه از طعام لوط خوردند ؟ چگونه یکی شدند ؟ چگونه لوط خطاب مفرد بانها نمود ؟ آقای من . بندهٔ تو . چشم تو . که بود که لوط بااو تکلم میدارد ؟ که با لوط تکلم داشت . من تورا سر بلند نموده ام . شهر را واژگون نمیکنم . من نمیتوانم کاری بکنم . آیا خداوند بود . ونمیتوانست ؟ ! من چه بگویم — توریة میگوید

﴿ قس ﴾ مسیحیان میگویند آن سه مرد اقانیم خداوندند وخداوند باقانیم خود برای ابراهیم ظهور نمود . خداوند یکی است دارای سه اقانیم . ابراهیم آن را بخطاب مفرد خطاب

نمود چون خداوند یکی است . وبخطاب جماعت بلحاظ
تعدّد اقانیم
(عمانوئیل) فعلا نمیگویم چگونه خداوند یکی . سه است .
چون چماق تکفیر را برداشته میگویند . « ای بی ایمان . این
امور وراء عقل است . ساکت شو . خفه . خفه » لذا تأخیر
بهتراست . ولی میگویم . آیا چون ابراهیم میدانست خداوند
باقانیم ثلاثه خود ظاهر شده گفت پاهای خودتان را بشوئید
. دلهایتان تقویت نمائید . بیارامید . برای آنها خوراك آورد !
نشستند ! خوردند ! آیاخداوند میخورد ؟ اقانیم خداوند می
خورند — خوب — چطور اقانیم سه گانه نزد لوط دو ملك
شدند.؟ سوّمی آنها چه شد ؟ آیا سه عدد دو عدد است ؟ یا
اقانیم خداوند فرشته اند ؟ ! معقول است خداوند یا اقانیم
خداوند بخورند ؟ وبیاشامند ؟ !

—﴿ کرامت قرآن ﴾—

(عمانوئیل) - جناب قس - توراتی که همگی تصدیق داریم
کلام خداوند است این قصه را افسانه ونامعقول نقل نموده
ویابیاناتی که بکلّه فرونمیرود اظهارمیدارد — ازاین طرف

قرآنيكه غير از مسلمانها احدى باو معتقد نيست و بجز آنها نزد كسى وحى آلهى شمرده نميشود اين قصه را باكمال پيوستگى موافق عقل ودانش متذكر است . آية ٧٢ تا ٨٥ سورة هود مكية و ٢٤ تا ٣٧ سورة ذاريات مكيّة تذكار ميدهند ؟ وتصريح مينمايند كه آنها ملائكة خداوند بوده وخوراك نخورده اند

﴿ قس ﴾ باحالت مخصوصى (خندان) - گفت - مسيحيان ميگويند (محمد ص) چون خواننده ونويسنده نبود حكايات تورية را از يهود وديگران آزموده ودر قرآن نقل ميكنند

﴿ عمانوئيل ﴾ - (محمد ص) از اعراب وحشى بت پرست بشمار ميرفت وآنها هم بهرة از علم نداشته . نميدانستند معقول چيست . غير معقول كدام است — پس اگر (محمد ص) اين قصه را از تورية ياتعليم يهود گرفته بايست مانند تورية كلام پريشان ومتناقض ونامعقول بياورد . بلكه بحسب جهالت ووثنيت وبى معرفتى اعراب زشت ترنقل مينمود - واقع - بسيار تجسس داشته ودر اطراف اين اظهار جدّيت نموده ام

— قرآن غلطهای عهدین را تصحیح کرده . وحقائق معقوله را بیان خوشی جلوه میدهد . راستی راستی قصص عهدین را از مهملات وخرافات تصفیه میدارد ـ شرم آور است عهدینی که مسیحیان کلام خداوند میدانند پراز خرافات وهرزه نویسیست . ولی . ازیکطرف قرآن مسلمانها درموافقت عقل واستقامت وحقیقت نمائی یگانه کتاب آبرومند است ـ کاش یهود ونصاری این نسبت را بقصص قرآن نداده وشخص را بمقابله وادار نمیکردند . آنوقت زشت وزیبا راست ودروغ معلوم نمیشد — فعلاً اجازه دهید قرآن وعهدین را درمحضر محترم مقابله نمایم

(قس) سابق درقصه آدم وشجره وابلیس مقابله شد . شاید هم اگر درس را ادامه دهیم سایر قصص هم مقابله شود . ولی . راستی اظهارات شما نزد برادران مذهبي ما دشوار وخشم آور است

(عمانوئیل) برادران مذهبي ما اهل حق ودارای صفای باطنند . ازاینها بگذریم . علت چیست درد درونی وزخمهای دیرینه مرا مداوات نمیفرمائید « بلبم آب رسانیده تشنه میداری »

﴿ قس ﴾ میخواهم بپای خودت باین حرکات ملایم بطرف حق سیر نموده . ارشاد شما سهل شود — اینک — لازمست دروس سابقه خودت را در آن ضمیر پاك ودرون روشن آزاد نوشته . حساب حقیقت سهل وساده خواهد بود . من هم همراه هستم کمک خواهم نمود « گرچه یزدان تورا است نیك معین »

(عمانوئیل) دروس سابق را بذهن خود سپرده ومذاکرات مستقبل را هم در نظر خواهم گرفت و بهتر است برای عبرت دیگران واستفادهٔ عموم قلم را بدست گرفته آنها را هم بنویسم ونشر دهم ـ جناب قس ـ چیزی ماند ـ . باب ۱۹ در ذیل قصهٔ سدوم وعموره افسانه شرم آوریست نخوانده ام ـ وای وای ـ لوط در دیه صوغر برآمد با دو دختر خود در کوه ساکن شد . دختر بزرگ بکوچك گفت پدر ما پیر شده ومردی بروی زمین نیست . بیا تا پدر مارا شراب بنوشانیم وبا او هم بستر شویم تا نسلی از پدر نگاه داریم . مختصر . شب اوّل دختر بزرگ . شب دوّم کوچك بدینوسیله و بدمستی پدر همبستر پدر شده . حامله گردیده . دو پسر زائیدند ـ جناب قس ـ این عمل

ازلوط پاکیزه وپرهیزکار معقول است ؟ ! آیاقرآن هم بهمین مضمون نقل مینماید

﴿ قس ﴾ توریة میگوید . . . نمیدانم وجدان شما چه میگوید — امّا « قرآن منزّه است ازاین گفتهای زشت » — آه — بخوان

—﴿ ختنه . وتوریة ﴾—

﴿ عمانوئیل ﴾ مطلبی ازباب ۱۷ عدد ۹ تا ۱۵ باقی مانده . خوب است ازتحقیق وکنجکاوی آن دراین مقام صرف نظر نداریم — میگوید — ختنه عهد خداوند باابراهیم وفرزندان ذکور وبستگان او است . پسریکه مختون نشود چون عهد خداوند را نقض داشته ازقوم خود جدا خواهد شد — جناب قس — این عهد باابراهیم وفرزندان وتابعان او است یاباعموم مؤمنان

﴿ قس ﴾ . او . عهد ایمان وشریعت مؤمنان است . وبدیهی است چون در آن موقع مؤمنین منحصر بأبراهیم وفرزندان وتابعان او بودند . خطاب بآنها متوجه خواهد شد — اینست موسی هم آنرا در عهد خود مقرّر داشته وبمتابعت

ان هم تاکید فرمود ـ « این حکم را برای اسرائیلیان . واشخاصی که در اسرائیلیان فرود آیند . ومولودین زمین . وغلامانیکه میخرند . وشرط عمل فصح . وخوردن آن قرار داد »

باب ۱۲ سفر خروج عدد ٤٤ تا ٥٠ . وباب ۱۲ سفر لاویان عدد ٤ مراجعه شود . پیوسته انبیاء ومؤمنان هم تا چندین سال پس از مسیح براین ترتیب بوده ومخالفت نموده‌ند ـــ شخص « بولس » هم در رساله رومیان باب ٤ عدد ۱۱ تصریح مینماید « وعلامة ختنه را یافت ابراهیم تامهر ونشانی بران عدالت ایمانیکه در نامختونی بود »

(عمانوئیل) بااینکه علامت ایمان وعهد خداوند سبحان بود چرا نقض کردیده ومنسوخ شد ؟

﴿ قس ﴾ در عهد جدید است تقریباً ۱۷ سال پس از مسیح رسولان وبولس ختنه را ابطال نموده اند . آیا باب ۱۵ اعمال رسولان یاکلماتی که راجع بابطال ختان ومنسوب برسائل بولس است ندیده اید ؟

﴿ عمانوئیل ﴾ دیده ام . ولی تنها ختان را نسخ نداشته بلکه همهٔ شریعت موسی را ابطال کرده است ـ تعجب است ـ

با فرط محافظتيكه مسيح از اين شريعت فرمود ودر انجيل هم
بمحافظت آن عموم وخصوص شاگردان خودرا توصيه نمود .
واى . واى . چگونه اين اقدام زشت را داشته وحفظ وصيت
مسيح را نموده اند ؟ ـ مضحك است ـ ابطال اين شريعت را
نموده واظهار ميدارند كه براى سهولت وجلب مردم بتنصر
اين اقدام را كرده ايم ــ امّا ــ بياناتى كه دراطراف ختان
منسوب ببولس است يك جملاتى هرزه وپريشان ومتناقض
است . وشريعت موسى را اهانت واستهزاء مينمايد ــ چيز
مهمى هم ندارد

ــ﴿ عبد المسيح در كتاب خود . وختان ﴾ــ

﴿ قس ﴾ اصحاب ما ميگويند . خداوند خواست . مبادا پس
از ورود اسرائيليان بمصر شهوت برآنهائيكه اولاد ابراهيم اند
غلبه نموده شريعة ختان را مقرّر فرمود بجهتيكه وقت اسرائيليان
زنارانى بگذرانند زنان مصر بواسطه تغيير خلقت اين عضو از
آنها بپرهيزند ــ بنابراين پس از خروج از مصر ختان
حكمتى ندارد

(عمانوئيل) اين بيان عبد المسيح است ــ ميگويند ــ در

زمان مأمون عبّاسی تألیف نموده واز ابطال ختان اعتذار جست - ولی - اگر پوزش نمینمود پاس جلال خداوند . قدس انبیاء . شرافت کتب وحی را بهتر میداشت — نمیدانست ؟ — این اعتذار مورد ملامت شده . خواهند گفت . اگر حاجتی بدوام شریعت ختان نبود چرا خداوند پس از خروج اسرائیلیان از مصر آنرا تأکید فرمود . یك سال وبیشتر پس از این خروج در « سینا » بموسی میفرماید « روز هشتم . از ولادت پسر گوشت غلاف او ختنه شود » چنانچه در سفر لاویان باب ۱۲ عدد ٤ - چرا خداوند بیوشع پس از خروج مصر بچهل سال وبیشتر امر داشت بنی اسرائیلیکه پس از آن خروج مولود شده وهمه مختون نبوده اند همه را یك وقت ختنه کنند . او هم انهارا ختنه نمود واز مدافعت هجوم دشمنان حاضر باز داشته تا امر الهی را اجراء میدارد . در این وقت خداوند فرمود « امروز از شماها ننگ مصر برطرف نمودم » مراد از ننگ مصر آن نامختونیکه نشان شرك شده . چنانچه ختنه نشان ایمان است . کتاب یوشع باب ۵ عدد ۲ تا ۱۰ مراجعه شود - این انبیاء ومسیح این حکم را اجراء داشته شاگردان انحضرت

هم تا ۱۵ سال پس از مسیح متابعت نمودند تقریباً شریعت ختان ۱۹٤٦ سال ادامه نمود

ـ حضرت قس ـ چرا پولس و شاگردان مسیح این نوع پوزش مانند عبدالمسیح نخواسته اند؟ معلوم است بیهوده و بی اصل میباشد

﴿ یگانه فرزند ابراهیم کیست ؟ ﴾

(عمانوئیل) خواندم تا باب ۲۲ گفتم ـ جناب قس ـ توریة میگوید . ابراهیم بذبح یگانه فرزند خود مخاطب گردیده . سه مرتبه ذبیح بعنوان « فرزند یگانه تو » تعیین میشود . ولی توریة نیز میگوید یگانه فرزند اسحق بود ـــ نمیدانم ـــ چگونه اسحق یگانه است ؟ باانکه اسمعیل پانزده سال ازاو بزرگ تر ودر زمان اسحق واین خطاب موجود بود . لذا . لازم است یالفظ یگانه را برداشته . یالفظ اسحق راباسمعیل تبدیل کنیم . زیرا بدیهی است که اسمعیل پانزده سال قبل ازاسحق متولد شده ویگانه است . اسحق هیچ وقت یگانه نبوده

(قس) مسلمانان میگویند خداوند ابراهیم را بذبح پسرش

« اسمعیل » امتحان فرموده واو (یگانه) او است

(عمانوئیل) چرا نگوییم . مسلمانان فخر رضا وتسلیم از اسحق برای امر خداوند وفخر این قصه وفدآء را از اسحق برداشته باسمعیل نسبت داده اند چون اسمعیل جدّ قسمت بزرگی از مسلمانان وجدّ (محمد صؐ) پیغمبر اسلام است

(قس) تناقضي که در توریهٔ بین « اسحق » و « یگانه است » قول مسلمانان را تأیید مینماید

(عمانوئیل) توریهٔ تصریح میکند که اسحق یگانه پسر ابراهیم بود

﴿ قس ﴾ برگشت سؤآل اوّل شما بر این است که توریهٔ یا در تسمیهٔ ذبیح (باسحق) یا در توصیف او (بیگانه) خطأ نموده

(عمانوئیل) تعجب است همچه تناقض واضحی چگونه در توریهٔ است !

(قس) تعجب ندارد . پیش آمد وتبدلات روزگار پی در پی توریهٔ را باینگونه تناقضها مبتلی کرده است . (در ذکر خریداران یوسف از برادران وفروختن اورا در مصر) بباب ۳۷ شمارهای ۲۵ و ۲۷ و ۲۸ و ۳۶ مراجعه دارید .

مذکور است — تا گاه کاروان اسماعیلیان بطرف مصر
میرفتند . یهوذا گفت بیاید یوسف را باسماعیلیان بفروشیم —
ان وقت تجار مدیانیان گذشته ویوسف را باسماعیلیان فروختند
وبمصر آورده — امّا — مدانیان » ودر تراجم . مدیانیان »
اورا در مصر به فوطیفار خواجه فرعون فروختند — ولی در
اوّل باب ۳۹ میگوید . امّا یوسف را بمصر بردند وفوطیفار
خواجه فرعون اورا ازدست اسماعیلیانی که یوسف را به انجا
بردند خرید ! !

ای عمانوئیل گاهی توریة آنها را اسماعیلیان اولاد اسمعیل
پسر ابراهیم وهاجر نموده . گاهی . مدیانیان . اولاد مدیان
پسر ابراهیم وقطوره . گاهی . مدانیان . اولاد مدان پسر
ابراهیم وهمین قطوره . بازهم اسماعیلیان مینماید — ای عمانوئیل
(حال توریة ما چنین باشد) — بگذر وبخوان

﴿ توریة وبرکت یعقوب ﴾

(عمانوئیل) خواندم باب ۲۷ تا عدد ٤٠ — محلیکه بسیار شرم
آوراست سپس ساکت شده . ولی . قس میخندید . گفت
چرا ساکت شدی ؟ گفتم . خنده شما ازچه جهت است ؟

گویا بامن هم عقیده اید ؟ آنچه شمارا بخنده درآورده مرا هم ساکت نمود

(قس) ای عمانوئیل نظریات خود را دراین موضوع اظهار دار وبدل مپیچ

(عمانوئیل) اسحق پیغمبر خداوند متعال خواست برکت را به پسر بزرگ خود عیسو بخشیده واورا بشرافت روحانی وپیغمبری سرافراز فرماید ـ فعلاً نمیپرسم ـ آیا این عزم وتصمیم بأمر خداوند یا بدلخواه اسحق بود ؟ ـ ولی ـ استیضاح مینمایم . بچه سبب بعیسو گفت « صحرا رفته شکاری صید کن چنانچه میل دارم خوراکی ترتیب داده برای من بیاور بخورم تا قبل از مرگم ترا برکت دهم » — مگر دادن برکت موقوف بشکار وسیرشهوانی اواست ؟ ودر حال گرسنگی داده نمی شود ؟ ! ـ ازاینها گذشته — تورة میگوید — دراین اثناء مادر عیسو ویعقوب سخنان اسحق را باعیسو شنیده واز فرط محبتی که بیعقوب داشت اورا امر نمود بگله شتافته دو بزغاله خوب بیاور خوراك مهیا سازیم تا آن برکت برای تو گرفته شود . یعقوب بمادر خود گفت برادرم عیسو دستهای او پر

موست من بی موهستم . چگونه پدر را فریب دهیم . مبادا ملتفت شود انوقت عوض برکت مرا لعنت خواهد نمود . مادر گفت لعنت او برمن . برو آنچه را میگویم عمل کن . یعقوب بزغاله حاضر نموده مادر موافق دلخواه اسحق خوراك ترتیب داده وجامهای فاخر عیسو را بیعقوب پوشانید و پوست بزغاله را بدست و گردن او بست . یعقوب خوراك را نزد اسحق آورده عرض نمود من عیسو پسر بزرگ تو هستم !! آنچه بمن فرموده اید عمل نموده ام بنشین از صید پسر خود میل فرما . سپس مرا مبارك گردان . اسحق فرمود نزدیك من بیا . ترا لمس کنم ببینم تو عیسو هستی یانه ؟ پس از لمس فرمود صوت صوت یعقوب است . امّا دستها دستهای عیسو . نیز گفت تو پسر بزرگ من عیسو هستی . یعقوب گفت بله بله من عیسویم . اسحق از آن طعام خورده وَمی نوشید ! آنوقت برکت مال و ریاست قومی و بزرگی روحانی را باو بخشید !! ـ سپس عیسو رسیده وطعام حسب دلخواه اسحق حاضر نمود . از پدر طلب برکت داشت ــ بالاخره . اسحق چون دانست که یعقوب بوسیلهٔ مکر وتزویر برکت را ربوده بلرزش بسیار

شدیدی لرزیده وگفت کیست اینکه مبارک گردانیدم . بلی . ومبارک خواهد بود . عیسو گفت بمن هم برکت بده . جواب داد . برادرت بمکر وتزویر برکت ترا گرفته است . عیسو سؤآل میکند . (پس مانده) برکت هم برای من نمانده است . جواب داد . خیر . یعقوب را آقای تو وبرادرانش گردانیدم واو را بگندم وشراب تقویت داشته ام دیگر (چکنم چاره چه سازم . که تهی دست شدم)

ای حضرت قس . توریة میگوید . یعقوب به پدر خود خدعه وتزویر نمود . چهار مرتبه دروغ گفت . بفرمائید این برکت بزرگ فقط بکلام اسحق وخوردن صید وآشامیدن شراب مربوط بوده است ؟ (اگرچه برخلاف مقصود اسحق هم بدسیسه تزویر ربوده بشود . وبرای خداوند متعال در این برکت اراده وحکمت ونظری بلیاقت نبود ؟ بلکه یگانه منظور خداوندلسان وخوردن وآشامیدن اسحق از صید وشراب میباشد اگرچه یعقوب هم بدروغگوئی وخدعه ببرد (تعالی الله عن ذلك)

(قس) شاید این تحویل برکت (از عیسو بیعقوب) موافق

ارادهٔ خداوند بوده

(عمانوئیل) تعجب است . مگر ممکن نبود . از اوّل خداوند باسحق میفرمود . سزاوار این برکت یعقوب است . نه عیسو — تااینکه سزاوار وصاحب این برکت پیغمبری در وغگو ومکار نشود . امور آلهی ونبوی هم معرض سخریه واستهزاء نگردد چگونه ممکن نبود ؟ یاانکه توریهٔ موجودرا بوحی خداوند بموسی نسبت دهیم آیا نمیبینید چه قدر حکایات شرم آور وقصه های طولانی بی مغز دارد . . مراجعه فرمائید حکایات لوط ودختران او (۱) کشتی گیری یعقوب باخداوند (۲) . « دینه » دختر یعقوب (۳) « ثامار » عروس یهوذا (٤) دراز گوئی خداوند باموسی راجع برخت هرون وبرش وزنگوله ومنگوله ورنگ آمیزی آن (٥) آنهم درچه وقت ؟ . بقول توریهٔ . موقعیکه هرون بضد خداوند اقدام نموده ومردم را به پرستش گوساله میخواند (٦) جناب قس البته

---

(۱) سفر پیدایش باب ۱۹ عدد ۳۱ تا ۳۸ (۲) باب ۳۲ عدد ۲۲ تا ۳۲ (۳) باب ۳٤ عدد ۱ تا ۳۰ (٤) باب ۳۸ عدد ۱ تا ۳۰ (٥) سفر خروج باب ۲۸ عدد ٤ تا ۳۹ (٦) بسفر خروج باب ۲٤ عدد ۱۲ تا باب ۳۲ عدد ۱ تا ۷ و ۱٥ تا ۲٥ مراجعه فرمائید

این مقالات وحشت انگیز بی مغز بیهوده توریة را دیده اید حاشا حاشا . (توریة حقیقی اینچنین نیست)

(قس) . چه بگویم . عجله مکن . بخوان

(عمانوئیل) خواندم باب ۳۲ عدد ۲٤ تا ۳۱ قس در حال قرائت گاهی تبسم مینمود . وگاهی میلرزد . گفتم توریة میگوید . یعقوب تا طلوع فجر با انسانی کشتی گرفت وچون دانست بر یعقوب قدرت ندارد بران اوزده فشرده شد . به یعقوب گفت مرا بازدار . یعقوب گفت رها نمیکنم تا مرا برکت نمائی . نام یعقوب را پرسیده و گفت پس ازاین خودرا یعقوب منام زیرا باخداوند مجاهده نموده وغالب شده نام تو یسرائیل است . یعقوب هم نام اورا پرسیده گفت چرا اسم مرا میپرسی ویعقوب را برکت داد . یعقوب ان مکان را « فنیئیل » یعنی وجه الله نامیده گفت چون خداوند را « روها بروها » دیده وجانم رستگار شد

جناب قس . توریة میگوید . انسانیکه با یعقوب کشتی گرفت وبریعقوب قدرت نداشت ونتوانست خودرا رها کند خداوند بود . ویعقوب باتوانائی وغلبه وشجاعت از خداوند

برکت را گرفت (چنانچه قبل بمکر وتزویر از پدر خود گرفته بود) واین است بواسطهٔ این غلبة وشجاعت « یسرائیل » نامیده شد — ای آقا مگر این معقول است . نمی دانید ؟ . اینگونه کلمات الهیین را مورد استهزاء ما دیین میدارد . مگر امور الهی ونبوی این شکل است . کتاب خداوند هم این نوع بیهوده سرائی مینماید

﴿ قس ﴾ ندیدی وقت قرائت گاهی تبسّم مینمودم وگاهی میلرزیدم . صبر کن

(عمانوئیل) در اصل عبرانی « روها بروها » است . جهت چیست مترجمین « روبرو » ترجمه داشته اند . بفرمائید بواسطه غلط نویسندهٔ عبرانی است که « یاء ومیم » علامت جمع را افزوده « فنیم ال فینم » نموده است یا از جهت دیگری است

(قس) کلمه پیش از این در اصل عبرانی چیست

(عمانوئیل) اصل عبرانی (کی رأیتی الوهیم فنیم ال فنیم) ترجمه « چون دیدم خداوندان را روها بروها » گفتم گویا میفرمائید غلط کتبی نیست بلکه غلط اشراکی وثنیست

(قس) خندیده و گفت من نگفتم تومیگوئی . بگذر . وبخوان
(عمانوئیل) خواندم باب ۳۵ عدد ۹ تا ۱٦ دیدم توریة در
این اعداد میگوید (ظاهر شد خداوند برای یعقوب . – .
صعود نمود ازاینجائیکه با یعقوب تکلم فرمود — یعقوب اعحل
را « بیت ایل » یعنی خوانه خدا نامید – گفتم – چرا توریة
بخداوند نسبت صعود ونزول میدهد . مگر خداوند جسم
است . پایین میاید . بالا میرود ؟ ! !
﴿ قس ﴾ مگر خداوند جسمی است که در بهشت راه میرود
میخرامد . آدم صدای خرامیدن میشنود ؟ ! ! با یعقوب کشتی
گرفته ونمیتواند خود را از دست او رها نماید . آهستة . عجله
مکن . بخوان وببین
﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم تا خواندم در باب ۳۸ . یهوذا پسر
یعقوب باعروس خود « ثامار » زنا داشته ازاو دو پسر « فارص
وزارح » متولد شد (۱) – گفتم – جناب قس چرا توریة
این افسانهای شرم آور را ذکر نموده . خانواده پیغمبران

---

(۱) ببیانات توریة وکتب وحی یهود اولاد یهوذا که قسمت بزرگی
از اسباط بنی اسرائیلند از این سلسله زنا بوده اند وداود وسلیمان
ومسیح هم از این سلسله میباشند

وفرستادگان خداوند را ننگین واهانت مینماید وبولادت پیغمبران بزرگ مانند داود وسلیمان ومسیحی که از ذرّیت فارصند طعن میزند ؟ ! با (آنکه) توریة درباب ۲۳ عدد ۲ سفر تثنیه میگوید « زنا زاده در دستهٔ خداوند داخل نمی‌شود حتی پشت دهم » ـ نتیجه میدهد . داودیکه از پشت دهم است درجماعت خداوند نمیباشد لذا چگونه پیغمبر مقرّب گردیده ووحی زبه رباو نازل میشود

(قس) ازاینگونه اعتراضات پی درپی بکتاب وحی خود داری کن . مگر ندیده کتب وحی ما میگویند « امنون » پسر داود بخواهرش « تامار » دختر داود عاشق گردیده وبدستور العمل « یوناداب » برادرزادهٔ داود باثامار زنا مینماید . داود هم شنیده . بحدود شریعت باامنون رفتار نکرده . بلکه نسخهٔ سبعینیه باب ۱۳ کتاب دوّم صموئیل درانمقام میگوید . داود روح امنون پسرش نیازرده چون اورا دوست داشت زیرا نخست زاده اش بود . . وچون شنید « ابشالوم » برادر پدر ومادری ثامار امنون را بجهت ان عمل شنیع بقتل رسانیده گریه بسیاری نمود وهر روز براو میگریست . باب ۱۳ صموئیل

دوّم را مراجعه فرمائید . این (ابشالوم) هم بقول کتب
وحی ما . بازنان وپرده گیان پدر خود بالای پشت بام بمنظر
اسرائیلیان زنا داشته . وپس ازموت او داود براو میگریست
ومیگفت ای پسرم ابشالوم ای پسرم ای پسرم ابشالوم کاش
که بجای تو میمردم ای ابشالوم پسرم ای پسر من . باب ۱۶
عدد ۲۱ و ۲۲ وباب ۱۸ عدد ۳۳ کتاب دوّم صموئیل مراجعه
شود – ای عمانوئیل — مگر ندیده اید کتب وحی ما درشأن
داود متذکر است . که زنا بازن «اوریا» داشته وبااو مکر نمود
وزن اوریا هم از داود حمل زنائی برداشت وبالاخره بدستور
داود این مرد صالح درستکار کشته شد . راستی اموری که
بدن شخص را بلرزه در آورده وازمردمان شرور وخیانتکار
هم صادر نمیشود . من که دامن پیغمبران را باینگونه
حرکات زشت آلوده نمیدانم — امّا چکنم باب ۱۱ صموئیل
دوّم متذکر است

﴿ عمانوئیل ﴾ جناب قس . گویا میخواهید این نسبتهائی
که کتب وحی ما بداود داده اند تکذیب فرمائید ؟ آیا
دلیلی هم دارید که این نسبت زشت را بقدس داود تکذیب

کنند ؟

(قس) آیا چیزی که خلاف معقول تکذیب او هم مایه دارد ؟ بیانات شیخ « عالم » را صفحه ٤٦ فراموش نموده اید . نگفت . کسیکه مرتکب این گونه اعمال زشت شود چگونه خداوند اورا بنبوّت اختیار فرموده و برای ارشاد بندگان وباز داشتن ازاین اعمال شرم آور میفرستد ؟ مگر خداوند متعال میخواهد مقام نبوّت را مورد استهزآء نموده ومخالف مجد وحکمت فرماید ؟

(عمانوئیل) غیرازاین هم دارید ؟

(قس) زبور وحی خداوند در مزبور ۱۱۹ از لسان داود میگوید . خداوندا ازشریعت توانحراف نورزیده ام — امّا وصایای تورا ترك نكرده ام — ازهر راه بدی پای خود را نگاه داشتم برای اینکه فرمان تورا حفظ کنم — از کلام تو انحراف نورزیده زیرا تو آموختی مرا - ازاحکام توانحراف نورزیده ام

انجیل لوقا باب اوّل عدد ۳۲ (وحی خداوند بمریم مادر مسیح که درتمجید ونیك بختی مستقبل پسرش مسیح) میفرماید

(خداوند او را کرسي داود پدرش خواهد داد) بدیهی است که او کرسي تقوی و رستگاری داود است - ولی - کسیکه دارای چنین اعمال زشت وحرکات شرم آور راست . هم کرسي پیغمبران رستگار وانبیاء پرهیزکار نخواهد بود . بلکه بایست هم کرسي اشرار باشد . اگرچه

اشرار هم بجمع خود رهٔ نیدهند * شهوت پرست پرده در پر گناه را آیا همین کرسي خداوند مسیح را تمجید میکند . حاشا لله وحاشا انبیائه واولیائه

(عمانوئیل) در انظار مسلمانان وکتاب آسمانی آنها (قرآن) چه میگویند ؟

﴿ قس ﴾ تبسّم نموده . گفت . بشما چه مربوط . گفتم . ضرر نـدارد . مگر معرفت تاریخی هم در این مذاکره نیست ؟

(قس) قرآن سورهٔ (صٓ) در شأن داود فرموده است آیهٔ ۱٦ (انّه اوّاب) یعنی (بخداوند بسیار رجوع کننده) آیهٔ ۲٤ (وانّ لهُ عندنا لزلفى وحُسن مآبٍ) (وبدرستیکه نزد ما برای او است هر آینه نزدیکی وحسن باز گشت - بله - ذر

این سوره محاکمهٔ خصمین است راجع بدین - ولی - بعض مسلمانان آن قصه زنائی را از لسان یهود گرفته در کتب خود نوشته اند (چنانچه باب ۱۱ و ۱۲ صموئیل دوم متذکر است . امّا جماعت شیعه واهل تسنّن متّفقند در روایت که (علی) وزیر پیغمبرشان (محمد ص) یك صد وشصت تازیانه برای افسانه سرایان این قصه تعیین فرموده وانرا حدّ افترآء رانبیآء قرار داده است . این « علیّ » پیشوای مسلمانها است که این حکایت را افترآء وازخرافات تمّالان شمرده - ونیز - جعفر بن محمد امام ششم اهل بیت مانند جدّ خود « علیّ » فرموده است — مسلمانان هم این حکایت را درشأن پیغمبران غیر معقول شمرده و بهمین حکایات در کتب وحی ما عیب جو میباشند . صفحهٔ ۱۰۲ تا ۱۰۵ جزءاوّل کتاب الهدی مراجعه شود

(عمانوئیل) . پی در پی . بعجله خوانده وازامور زیادی دلگیر وغضبناك ودرهم بودم . وحرص برامور مهمّه دیگری داشته سفر پیدایش را خاتمه دادم . شروع بدوّمین سفر توریة (سفر خروج) شد .

پیغمبری موسی . توریة

﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم تاباب ۳ (سفرخروج) رسیده خواندم . موسی گله پدر زن خودرا رانده و بحوریب آمد وفرشته خدادر شعلهٔ آتش ازمیان بوته براو ظاهر گشت . چون دید بوته آتش گرفته و نمیسوزد بطرف ان متوجه شد خداوند دید موسی برای دیدن متوجه بأن طرف است خدا ازمیان بوته ندا در داده و گفت ای موسی من هستم خدای پدرت ابراهیم وخدای اسحق وخدای یعقوب - انگاه موسی روی خودرا پوشانید زیرا ترسید بخداوند تماشا کند .

- آقای قس - آیا فرشته که بموسی ظاهر شد خدا وخداوند بود یادیگری ؟

﴿ قس ﴾ . فرشته خداوند غیر ازخداوند است . میخواهی بگوئی توریة بین خدا وفرشته خداوند خبط کرده واشتباه ورزیده است - مگرممکن نبود بگوئید (آنکه براو ظاهر گشته فرشته بود وخداوند با او تکلم فرمود ؟)

﴿ عمانوئیل ﴾ پس چرا توریة میگوید . موسی ترسید بخداوند تماشا کند . مگرخداوند جسم است ودیده

می شود ؟

﴿ قس ﴾ . نهٔ . نه . خـداوند جسم نیست و دیده نمیشود . بخوان .

—﴿ خداوند کذب آموز نیست ﴾—

﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم « خداوند بموسی خطاب فرموده و گفت برو و مشایخ اسرائیلیان را جمع کرده بایشان بگو « یهوه » خدای پدران شما ابراهیم و اسحق و یعقوب بمن ظاهر شـده و گفت هر آینه از شما و آنچه بشما در مصر کرده اند تفقّد نموده ام و گفتم شمارا از مذلّة مصر بیرون آورده بزمین کنعانیان وحتّیان واموریان و و و زمینی شیر وشهـد دراو جاری است — گفتم — آقای قس — دراین تبلیغ قرار خـداوند با شیوخ اسرائیلیان این بود که آنها را از مذلّت مصر بیرون آورده بفلسطین وشرقیّ اردن برساند — ولی — بدون فاصله در شماره بعد میگوید (اگر اسرائیلیان دعوت تورا قبول نمودند تو با شیوخ اسرائیلیان نزد پادشاه مصر رفته بگوئید خدای عبرانیان مارا ملاقات کرده . والآن سفر سه روزه را برویم تا برای یهوه خدای خود قربانی نمائیم » — آقای قس — مگر بنانبود

خداوند آنها را از مذلّت مصر بیرون آورده بفلسطین وشرق
اردن برساند . پس چگونه امر داشته که موسی وشیوخ
اسرائیلیان بفرعون بگویند « خدای عبرانیان ما را ملاقات کرده
والآن سه روز راه پیموده برای خداوند قربانی نمائیم »
وشیوخ اسرائیلیان کِه را ملاقات داشتند . کی . کجا .
خداوند آنها را ملاقات نمود ؟ فقط در حوریب با شخص موسی
تکلم فرموده ومأمور بتبلیغ بنی اسرائیل شد ـ کتاب خداوند کجا
واین عمل زشت کجا است ـ توریة در عدد ۳ باب ۵ میگوید موسی
وهرون هم بهمین دروغ رفتار نمودند ـ مضحک است ـ
از محل اسرائیلیان که در رعمسیس مصر بود تا نزدیکترین موارد
خاك فلسطین بیشتر از ۲۰۰ میل وتا شرقی اردن ۲۲۰ میل وتا
بریة سینا هم قریب ۲۰۰ میل است ـ نمیدانم در این سه روز
آنهم بحرکت ملایم عیال واطفال پیاده ونشست روی گاو
وگوسفند چگونه این مسافت طولانی را پیمودند ؟

﴿ قس ﴾ عجله در این جواب نخواهم نمود . بخوان بخوان

ـــ خداوند خلف وعد نمیفرماید ـــ

(عمانوئیل) باب ۳ و ٤ را خوانده قس هم تبسّم مینمود ــ

گفتم - آقای قس - در این دو باب سؤآلاتی است ومطالب را مختصراً عرضه خواهم داشت توریة میگوید (١) — « بخداوند بموسی وعده فرموده . مصریان را بعقوبات معجزات بکوبد . پس از این فرعون اسرائیلیان را رها کند خداوند هم مصریان را وادارد امتعهٔ طلا ونقره ولباس باسرائیلیان عاریه وامانت دهند تا اسرائیلیان ان امتعه را استلاب نمایند . خداوند همدست موسی وهرون میباشد انچه باید بگویند یاد میدهد . موسی هم معجزاتیکه خداوند بر دست او جاری مینماید وفرعون را بآن مبتلی میکند همه را مشاهده خواهد نمود » — وسپس توریة میگوید « پس از اینکه موسی بطرف مصر متوجه شده وبوعدهٔ حق بشاش و بتبلیغ امر تصمیم داشت خداوند در بین راه باو برخورده وخواست موسی را بکشد ا برای جلوگیری انمعنی تمهیدی بنظر « صفوره » زن موسی میرسد وفوراً سنگی تیز برداشته پسر خود را ختنه مینماید وپای موسی را بخون ان رنگین کرده وخداوند هم موسی را رها میفرماید ! - آقای قس - آن وعده ها با قتل چه مناسبت دارد ؟ چگونه

---

(١) عدد ١٩ باب ٣ تا ٢٧ باب ٤

بزرنگی « صفوره » موسی را رها نمود

نیز عدد ۱ تا ۱٤ باب ٤ خداوند بموسی آیات عصا وید بیضا ء داده و بطرف فرعون ارسال فرمود . ولی . موسی از این ارسال بسبب کندی زبان وعدم فصاحت خود اعتذار مینماید لذا خداوند اورا نصیحت فرموده و گفت با زبانت خواهم بود وتورا خواهم آموخت — مراجعه فرمائید — با این عهد هم موسی میگوید « بشنوای آقا بفرست بدست هرکه میفرستی » آیا این اظهار اظهار کسی است که بوعدهای خداوندی تصدیق واطمئنان داشته ورسالت را میپذیرد ؟ — آقای قس — آیا پیغمبر خداوند باین سوء ادب وخشونت باحضرت احدیت مکالمه میکند ؟

—﴿ شرم آور است ﴾—

توریة عدد ۱٦ این باب میگوید خداوند بموسی گفت (هرون دهان تست . تو یزدان خویش باش) — مجدد در باب ۷ عدد ۱ که خداوند بموسی گفت « خداوند فرعون هستی . وهرون هم پیغمبر تو میباشد » — آقای قس — عدد ۱۳ باب ۲۳ . در همین توریة خواهیم خواند خداوند بموسی و بنی اسرائیل

فرمود « اسم خدایان دیگری را نخوانید واز دهان تو شنیده نشود » — افسوس . افسوس عمر عزیز خود را باین بیانات بیهوده وشرم آور توریة تلف نمودم

— ﴿ جلال خداوند وعهد قدیم ﴾ —

(قس) عزیز من — بایست اداء مجد وجلال خداوندی را بطرز پسندیده ومعقولی داشته وبجهل مرکب اتکاء ننمائیم وکورانه سلوك نداریم

شایسته است بیانات همین توریة را بمیزان کتب « عهد قدیم » گذاشته وبسنجیم « تفسیر یکدیگر نماید این کتب » همه از یك سر چشمه آب میخورند — کتاب « ارمیا » کتابیکه جماعت یهود ونصاری انرا وحی الهی پنداشته . در عدد ١٠ باب ٤ میگوید (پس گفتم آه ای خداوند یهوه این قوم واورشلیم را بفریفتن فریب دادی گفتی شمارا سلامتی خواهد بود وحال انکه شمشیر بجان رسیده است » — (سفر اوّل پادشاهان وسفر دوّیم ایّام) اسفاریکه این دو گروه ازانها بوحی الهی تعبیر میدارند عدد ١٤ تا ٢٣ باب ٢٢ پادشاهان اوّل وعدد ١٣ تا ٢٢ باب ١٨ ایّام دوّیم بیك لفظ متذکّر کرند

« میخا » پسر یمله به « اخاب » ملك گفت بشنو کلام خداوند را . دیدم خداوند بر کرسی خود جلوس نموده ولشکر آسمانی براست وچپ او . فرمود کیست ؟ اخاب را اغوآء نماید پس هریك عرض اندام کرده ونظریات خورا اظهار داشتند . روح برخواسته برابر خداوند ایستاد و گفت من اغواء میکنم . خداوند فرمود بچه ؟ گفت دردهان انبیاء روح کذب خواهم شد . فرمود . میتوانی واغواء خواهی کرد . برو وبکن — ای عمانوئیل این است کتب وحی ما (گرکه سنجیش بمعقول . بمعقول بسنج) ولی . مجله ندارد

عدد ۳ باب ۱۲ سفر اعداد است که « موسی بسیار حلیم واز تمامی مردم حلیم ترمیباشد » — مضحك است — این را گفته واز طرفی در ابواب دیگر است . عدد ۲۲ باب ۵ سفر خروج . « نزد خداوند برگشته (موسی) گفت . خداوند چرا بدین قوم بدی کردی چرا مرا پیغمبری فرستادی » عدد ۳۲ باب ۳۲ سفر خروج پس از انکه اسرائیلیان پرستش گوساله نمودند . میگوید « خدایا الآن هرگاه گناه ایشان را بیامرزی والا مرا از دفترت بیرون کن » عدد ۱۱ تا ۲۲

باب ۱۱ سفر اعداد است (مختصر) موسی بخداوند گفت « چرا ببنده خود بدی نمودی - مگر من اینهارا زائیدم . گشت از کجا بیاورم - برمن دشوار است — خداوند فرمود — خداوند بشما گشت میدهد . نه یك و ده روز بلکه یك ماه است میخوربد تامال کنید . موسی گفت قومی که در میان آنها هستم ششصد هزار نفرند آیا گوسفندان و گاوان ذبح میشود یا تمامی ماهیان دریا جمع میشود تا برای ایشان کفایت کند خداوند بموسی فرمود آیا دست خداوند کوتاه گردیده . الآن خواهی دید » . . عدد ۳۳ مزمور ۱۰٦ (موسی بلبهای خود ناسزا گفت) در اصل عبرانی « ویبطا بشفتیو »

(عمانوئیل) - آقای قس — من از شما یك سؤآل نمود و در جواب بحیرتم میافزائید . ای کاش میدانستم مقصود از این اظهارات است چیست

(قس) ذکاوتت کجا رفته ؟ « برخیزان که خود زمشرق عرفان کند طلوع »

《 عمانوئیل 》 خواندم عدد ۱ تا ۱٤ باب ۱۲ . (ملخص)

خداوند اسرائیلیان را بقربانی امر فرموده و گفت هر یك سردر و دو قائمه اطراف آن را بخون قربانی خود رنگین دارند تا خداوند حال زدن مصر این علامت را دیده ازآنها بگذرد ، گفتم ـ آقای قس ـ میفرمائید خداوند خانه های بنی اسرائیل را نمیدانست ؟ تمیز نمیدارد ؟ محتاج بنشانه است ـ خوب ـ بفرمائید ـ خداوند چگونه میگذرد ؟

﴿ قس ﴾ این را هم براماش افزوده ودر دفتر خود بنویس .

ـ ﴿ اختلاف تراجم . وتحریف بعض آنها ﴾ ـ

(عمانوئیل) خواندم تا عدد ۲۸ باب ۲۲ . اصل عبری است . « الهیك لا تقال ونسیٔ بعمك لا تأر » . ترجمهٔ حرفی . « خدایانت را ناسزا مگو ورئیس قومت را لعن مکن » . ولی . مترجمین در اینجا بازی نموده اند . ترجمهٔ یونانیه بجای « لعن مکن : بدمگو گذشته . وتراجیکه در صفحهٔ ۲٦ از نظر محترم گذرانیده ام درنسخه ۳ و ٤ و ٥ نوشته است « بخداوند ناسزا مگو ولعن منما رئیس قومت را » نسخهٔ ۱۰ هم قریب بهمین مضمون است : نسخهٔ ۱ و ۲ « سب مکن

قاضیان را و رئیس قومت را لعن مکن » مانند نسخهٔ ۷ و ۸ و ۹ - آقای قس - چگونه روحانیان لفظ « آلهیك » را بقاضیان ترجمه نموده اند ؟ - بله . بله - کسیکه خدا تراش شده بأین نوع ترجمه متعمد است وباکی از این تحریف و ترجمه نخواهد داشت . (ز روحانی این گونه شایسته نیست) . چرا جهت چیست ؟

(قس) یعنی تاکنون سربسته هم نفهمیده و جهت را ندانسته اید ؟ مقصود شمارا نفهمیدم ؟ . بخوان

﴿ جسم مرئی خدا نمیباشد ﴾

(عمانوئیل) خواندم تا عدد ۹ و ۱۰ و ۱۱ باب ۲۴ « وموسی باهرون وناداب وابیهو وهفتاد نفر از شیوخ بنی اسرائیل بالا رفت ۱۰ وخدای اسرائیل را دیدند وزیر پاهایش مثل صنعتی از عقیق آبی شفاف ومانند ذات آسمان در صفا ۱۱ وبر سروران اسرائیل دست خود نگذاشت پس خدارا دیدند وخوردند وآشامیدند » گفتم - آقای قس - مگر خداوند جسم مرئی است ؟ برای او هم پا میباشد ؟

(قس) . حاشا . خداوند جسم نیست ودیده نمیشود . ولی .

این حکایت در قرآن هم میباشد ؟ . مراجعه نمائید

﴿ قرآن میزان حقیقت است ﴾

(عمانوئیل) آیهٔ ۱۵۲ سورة نساء (یَسئَلُكَ اَهلُ الکِتاب اَنْ تُنَزِّلَ عَلَیهِم کِتاباً مِنَ السَّمآءِ فَقَدْ سَألوا موسی اکبَرَ مِنْ ذٰلِكَ فَقالوا اَرِنا اللهَ جَهرَةً فَأَخَذَتهُمُ الصاعِقَةُ بِظُلمِهِم) اگر چه انزال کتاب از آسمان بزرگ و خلاف عادت است . ولی . رؤیت خداوند بزرگتر و خلاف عقل و عادت میباشد . . آیهٔ ۵۲ سورهٔ بقره اسرائیلیان راسرزنش نموده . میفرماید (وَاِذْ قُلتُم یا موسی لَنْ نُؤمِنَ لَكَ حَتّی نَرَی اللهَ جَهرَةً فَأَخَذَتکُمُ الصاعِقَةُ وَاَنتُمْ تَنظُرونَ) در حالتیکه خواستار رؤیت یا نگران صاعقه اید (۵۳ ثُمَّ بَعَثنا کُمْ مِنْ بَعدِ مَوتِکُم لَعَلَّکُمْ تَشکُرونَ) ـ پس قرآن این تمنّا را درخواستی سفیهانه میشمارد

﴿ قس ﴾ بله . بله — بخوان

—﴿ غلط توریهٔ عبری ﴾—

﴿ عمانوئیل ﴾ خوانده . خوانده و بر اوقات گران بهای خود افسوس میخوردم . تا بعدد ۲۱ باب ۱۱ سفر « لاویان » سوّمین

اسفار توریة رسیده . خواندم « امّا از تمامی حشرات پرنده که بچارپا روانند که بالای پای آنها ساق برای جستن بر زمین دارند اینها را بخورید » در تراجم عربی « هذا تأكلونه من جميع دبيب الطير الماشي على اربع وهو ماله كراعان فوق رجليه يثب بهما على الأرض » . گفتم . - آقای قس - انچه در توریة عبرانی « اشر لا كرعيم ممعل لرجليو » ترجمه « آنچه ساقها بر پاهای خود نیست » پس چگونه نفی را باثبات ترجمه داشته وندانسته اند درصورت اثبات باید « اشر لو كرعيم » باشد . چون « لو » درعبرانی بمعنی « له » عربی و « برای او » فارسی است و « لا . ونه » درعبرانی وعربی وفارسی بیک معنی است

﴿ قس ﴾ این غلط در توریة مکرّر است . عدد ۳۰ باب ۲۵ سفر لاویان ترجمة عربی « البيت الذي في المدينة ذات السور » فارسی « خانهٔ که در شهر حصار داراست » همچنین سائر تراجم . ولی . توریة عبرانی باز « لا » بجای « لو » مرادف « برای او » گذاشته . میگوید « هبیت اشر بعیر لا حمه » . . . عدد ۷ باب ۲۱ سفر خروج مترجمین مینویسند « که او را برای خود

نام زد کرده ، تورة عبرانی « اشر لا یعده » (که اورا نام زد نکرده) ـ حواشی عبرانی در تمامی ان موارد غلط مزبور را تصحیح کرده و بجای « لا » « لو » مینویسند . قرائت وتراجم هم بهمین نهج جاریست (حواشی تورة عبرانی را مراجعه کنید . بیشتر از صد مورد در حروف افزوده یا کاسته یا تبدیل نموده اند . قرائت وتراجم هم بهـمچ حواشی جاری است . زیرا که غلط اصل عبرانی بدیهی است . ولی شدّت تعصب اصل عبرانی را برصورت مغلوط گذاشته و در حواشی تصحیح نموده اند

﴿ عمانوئیل ﴾ این غلط مکرّر درکتاب آسمانی ؟ آنهم باشنونده ونویسنده مثـل موسی تعجب است ؟ بفرمائید از کیست . از کجا است . از چه وقت است ا شکیب رفتـه زکف تا بکی شکیبائی) شما پپی درپی فرموده من بنویسم ـ بفرمائید . بفرمائید

﴿ قس ﴾ عجله مکن (ستبدی لك الایّام ما کنت جاهلاً) صبرنموده . خود دارای کن (بکوشش بهره مند ان بهره مندند) قرآن مجید میفرماید (والّذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا)

(عمانوئیل) تعجب است . میبینم . بقرآن مثل زده واستشهاد میدارید .

﴿ قرآن مجید و بین پیغمبر او ﴾

﴿ قس ﴾ . چرا . بقرآن مجید مثل نزد واستشهاد ندارم . نمی بینی . دارای حکمت وفلسفه حقایق . وحقیقت ارشاد است

﴿ عمانوئیل ﴾ — آقای قس — می بینم — پی در پی قرآن تمجید مینمائید . آیا میفرمائید وحی الهی است ؟

(قس) (خود مجید است نه تمجید نمایم ان را) لازم نیست که بگویم وحی الهی است . بله . کتاب حکیم علیم است وبگانه کتاب آبرومند درحکمت . درهیچ بابی داخل نشده مگر حقایق را بهترین بیان جلوه دهد (آنهم) باانکه (محمد ص) بااعراب وحشی بت پرست زیسته ودرآنها پرورش یافت آنها هم از فلسفه ومعارف ومدنیت واجتماع بهره نداشتند

(عمانوئیل) پس (محمد ص) این علوم راکجا دیده وبچه مدرسه مهاجرت نموده است ؟

(قس) (محمد ص) شخصي امّی بوده نمیخواند ونمینوشت .
ودر این مدّت وطن واقوام وحشي خودرا مفارقت نداشته
فقط مدّت مختصری باخویشان خود بشام بعزم تجارت
مسافرت نمود بعادت بادیه نشینان که بشهر رفته وشهر چهار. پنج
روز آزوقه خریده وبرمیگردند . هیچ درسي نخوانده وآموز
گاری نداشت . بتاریخ مراجعه کنید

(عمانوئیل) - آقای قس - ازاین بیانات سرشار محترم بهره مند
گردیدم . ولی . متأسفانه بی پرده نمیفرمائید ویکمرتبه آسوده
خاطرم نمیکنید

﴿ قس ﴾ این مطلب را گذاشته - بتوریة ودرس خود
مراجعه کن

(عمانوئیل) توریة را خوانده . ودران خرافات دیده کره
وکفرهای پی درپی مشاهده مینمایم - ولی - قرآن همین
قسم است که میفرمائید . درهر بابی که داخل شده بهترین
بیان حقائق پوشیده را جلوه میدهد — دراین صورت —
باز بگوئیم توریة کتاب خداوند وقرآن کتاب بشر است ؟ .
آنهم بشر یکه در بین یك دستهٔ بت پرست وحشي پرورش

یافته وتحصیلی هم نداشته است وصاحب یگانه کتاب هدایت وحکمت میباشد. کتابیکه . مصالح دینی وسیاسی واجتماعی وفلسفی دانشمند در آن خوض نموده واستفاده مینماید

﴿ قس ﴾ (خندان) عجب است !! مگر در عهد جدید مقدس عدد ۲۱ و ۲۵ اولین نامه که باهل قرنتس است نخوانده اید ؟ نگفت (خداوند پسندید که مؤمنین را بجهالت موعظة یاحماقت موعظة خلاصي دهد - زیرا که جهالت خداوند . یا حماقت خداوند از مردم حکیم تر است !!

(عمانوئیل) - آقای قس - اگر بهمین سؤآل مسلمانی بمن اعتراض میداشت . جواب هم این بود . آیا میپزیرید . بمثل جواب شما بآنها جواب بگوییم !

(قس) توهم قبول داری ؟ !

(عمانوئیل) نه - آقای من

(قس) پس عقل خودرا حاکم نموده . وبخوان (برخوان که برآید از افق هور)

﴿ جلال خداوند . قدس انبیآء . بیانات عهدین ﴾

﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم تا عدد ۱۲ باب ۲۰ سفر اعداد

(خداوند بموسی وهرون گفت چونکه بمن ایمان نیاورده اید) . گفتم ـ آقای قس ـ مگر موسی وهرون بخداوند ایمان نداشتند ؟!

﴿ قس ﴾ نیز عدد ۱٤ باب ۲۷ اعداد است خداوند بموسی وهرون خطاب فرمود « شما از قول من عصیان ورزیدید » . . عدد ۵۱ باب ۳۲ سفر تثنیه « مرا خیانت نموده اید » — ای عمانوئیل — یک نفر از قسیسهای محترم ما . موسوم به « ولیم اسمت » بذکر اسحق پیغمبر رسیده . ومی بیند که توریة باین شخص نسبت دروغ داده . وسائر پیغمبران هم دروغ گو ق . و . شمرده است « میگوید » کمال در بشری موجود نیست مگر دریگانه کامل بی نظیر . واسف آوراست مقربان الهی هم محتاج بوعظ باشند » بکتاب قسیس مذکور « طریق الاولیاء » مراجعه فرمائید

(عمانوئیل) . گویا . ولیم است نمیدانست توریة بخداوند متعال هم نسبت کذب داده . ومار را اصح وراستگو میداند . البته . حکایت آدم ودرخت ومار ونهی خداوند را فراموش نفرموده اید « نیز » در بدو ارسال موسی امر نموده که موسی

باشیوخ اسرائیلیان نزد فرعون رفته ودروغ بگویند . عدد ۱۰ باب ٤ کتاب ارمیا « گفتم ای خداوند یهوه این قوم واورشلیم را بفریفتن فریب دادی گفتی شمارا سلامتی خواهد بود وحال انکه شمشیر بجان رسیده است » استعانتی هم که خداوند متعال برای اغواء اخاب بروح کذب داشت مراجعهٔ فرمودید : آن مواد هم در صفحهٔ ۹ و ۱۱ و ۹۲ تا ۹۷ مذکور است واین گونه نسبتهای زشت درکتب وحی ما سرشار میباشد «نمیدانم» ولیم اسمت . این امور را ندیده یاخود داری کرده است - آقای قس - بفرمائید مقصود ولیم اسمت از یگانه کامل بی نظیر کیست ؟

(قس) آیا مسیح نیست ؟

(عمانوئیل) درعدد ۲ تا ۱۱ باب ۷ انجیل یوحنّا . برادران مسیح باو گفتند دراین عید یهودیه وبیت المقدس بروید مسیح گفت شما بروید من دراین عید نخواهم رفت . سپس خودش مخفیانه میرود . آیا . این دروغ نیست ؟ کاش اناجیل ما بهمین نسبت زشت اکتفا نموده ودامان قدس مسیح را بچیزهای دیگری چرکین نمیداشتند — جزء اوّل (الهدی) صفحهٔ ۱۹۷ تا

۲۳٤ متذکر است مراجعه فرمائید . کاش ولیم اسمت حاضر بوده مسیح را هم موعظه میداشت

(الیعازر) مدیّست بقرائت توریة ومذاکرات شما گوش داده ـ نمیدانم بیانات توریة را انکار کرده یا حق کشي نمایم ـ زیرا که کتاب خداوند است . واز طرفی بیانات آن بکلّه فرو نمیرود ـ جناب قس ـ (بگو . بگو . مگذر کوفرار گاه مرا)

(قس) بنور هدی وتوفیق یگانه فرزند دانشمندت عمانوئل در اطراف این مطالب بحث مینماید وامیداست بزودی موفّق وبهره مند شود — (من) نمیخواهم بدون برهان ومراجعهٔ وجدان قول احدیرا تصدیق نموده ومترصّد تصدیق وتکذیب من یادیگری باشید . انشاءالله بمذاکرات ما گوش داده بهره مندخواهی شد . ممکن است شما هم درضمن مذاکرات ما استیضاح نمائید

﴿ جرئت . وسوء ادب ﴾

﴿ عمانوئیل ﴾ درشمارهٔ ۹ صفحهٔ ۲٦۸ و ۲٦۹ و ۲۷۵ مجلة العرفان صیدا است دست یکی ازتلامیذ مکتب فرار کتابی فرانساوی چاپ سنهٔ ۱۹۲۳ مشاهده نموده واسم کتاب مختصر

تاریخ فرانسه است و در پشت آن مؤلفین را جماعتی از استادها نوشته اند . واز مکتبهٔ کاتولیکی در لیون و پاریس شخص خواستار بطلبد ـــ از مندرجات ان کتاب در چاپ تازه صفحهٔ ۲٤ ودر چاپ کهنه صفحهٔ ۲۲ این دو جملهٔ زشت موجود است (۱) « اصل عرب از بلاد عربیه است و دین محمد دروغگورا اختیار نموده اند . اینکه بر اتباع خود واجب ومقدس نموده دین خود را بقوهٔ سلاح نشر داد (۲) « آنهائی که متابعت پیغمبر دروغگوی خود را داشته اند . . . » ـــ نیز مجلهٔ ارشاد بغدادی صفحهٔ ٤ و ٥ عدد ۳۲ روز شنبه سنهٔ ۱۳٤٥ مقالتی بامضاء وتوقیع جمعیت عالمیه صلیبیه برای تنصر عالم و بلاد عرب نقل نموده ومرکز این جمعیت عمارهٔ ۱۹ اهیلندرود ابرونورود لندن . ورئیس جمعیت مستر استند ومراقب (قس بارکلاین است) از تحریرات آن مقاله هم این دو جملهٔ زشت میباشد (۱) « برای عرب دعا کنید تا خداوند آنهارا از شیطانیکه برای آنها کتابی بیهوده ساخته وفریب خورده اند نجات دهد . وآن قرآنیست که محل کلمة الله الحیه « یعنی اناجیل » جای گرفت » ـــ (۲) « حجاج زیادی برای حج مکة قطع بیابانها مینمایند وذر مکه

تولّد ان پيغمبر دروغگو است ! ! ، — آقای قس — چرا اوّلاً اين نويسنده گان بادب اناجيل رفتار نكرده ونگهبان شرف دين وانسانيت نيستند ؟ به پيغمبر مسلمانان اين گونه نا سزا ميگويند واورا دروغگو ميخوانند . مگر عدد ٤٤ باب ٥ انجيل متی و ٢٨ باب ٦ انجيل لوقا از تعليم مسيح نيست ، واز برای آنها كه شما را لعن ميكنند بركت طلبيد ، نديده اند — روشن وبديهی است كه چهل سال از سنّ انحضرت گذشته وهمهٔ مردم دراين مدّت اورا (راستگوی امين) مينا ميدند وهمچنين بعد از اين مدّت وتا حال هجرت از مكه دوست ودشمن اموال قيمت دار خود را نزد او وديعه ميگذاشتند . بله . بله مردمان وحشی بُت پرست از روی شعف بشرك درخصوص دعوت توحيد وصلاح وشريعت مدنيه اورا تكذيب ميداشتند . ازجملهٔ اين دعوت (لا تقولوا ثلاثة انتهوا خيراً لكم انّما الله آله واحد) است . پس چرا قوم ما بنا براعتقاديكه بلوث دارند فقط دراين موضوع اورا تكذيب نموده اند ؟ ! — آقای قس . آقای قس .. مگر شايسته است باين يگانه كامل ومصلح بزرگ نا سزا گفته وخود را درعالم دين وانسانيت ننگين دارند

﴿ قس ﴾ میگویند (چه گویم که نا گفتنم بهتر است) . ولی . باید گفت چنانچه تاریخ متذکر است « پیغمبر مسلمانها دین خود را بجدیّت ولطف دعوت وکمال تحمّل ترویج داشته . وبقوّت سلاح پیشرفت نفرمود . بله بعد از دوازده سال نظر بجلوگیری بت پرستان از پیشرفت موّحدین وظهور توحید . وحملات خونین مشرکین . انحضرت هم بمقدار لازم دفاع فرموده وحمایت حقوق میداشت - ای عمانوئیل - تاریخ زنده گانی این یگانه مصلح کامل مراجعه نموده وبه بین که در تمامی حروب سبقت بستیزه نمود وستیزهٔ عدوانی نفرمود

(الیعازر) -- آقا . آقا -- گرفته نشوید . مگر توریة وکتب عهد قدیم خداوند جل وعلا را کاذب وکذب آموز نداشته است . مگر کتب عهدین مسیح وجمله از انبیاء را کاذب نشمرده اند . اینها هم به پیروی کتب وحی خود نموده . پیغمبر مسلمانان را هم مانند خدا ومسیح وجمله از انبیاء کاذب میشمارند (عیب باشد دروغ یا هنر است) ؟ نمیدانم

(قس) - عمانوئیل - شما هم گرفته نشوید . اهمّیت ندارد . بخوان . بخوان

—﴿ توریة وقتل زنان . وکودکان ﴾—

(عمانوئیل) خواندم تا عدد ۱۷ و ۱۸ باب ۳۱ سفر اعداد دیدم (پس از انکه اسرائیلیان بر مدیانیان غلبه نموده وزنان وکودکان آنهارا دستگیر واسیر داشتند موسی امر داشت پسران کودك وزنان ثیّبه را کشته ودختران باکره را برای خود نگاه دارند وعدّهٔ انها سی ودوهزار بود — یکمرتبه صورت خودرا بطرف پدر وقس کرده گفتم مگر قتل زنان وکودکان شریعت آلهی است - وای . وای . در صورتیکه عدّهٔ دختران باکره سی ودوهزار بود عدّهٔ پسران کودکان وزنان مقتول چه قدراست ؟

(قس) ای عمانوئیل . عدد ۳٤ باب ۲ سفر تثنیه متذکر است (موسی گفت) (تمامی مردان وزنان وکودکان شهرهای اموریان را هلاك کرده واحدی را باقی نگذاشتیم) در عدد ٦ باب ۳ سفر مذکور است (وتمامی مردان وزنان وکودکان مملکت عوج را هلاك نمودیم) — عدد ۳٤ باب ۲۱ سفر اعداد تذکار میدهد (این اقدام هم بأمر خداوند بود) . خوب است عدد ۱٦ و ۱۷ باب ۲۰ سفر تثنیه را مراجعه

داشته به بینید چگونه خداوند اسرائیلیان را امر نموده و گفت (شهرهای حتّیان واموریان وکنعانیان وفرزیان ویبوسیان تاراج کرده وازبشر و بهائم هیچ نسمة ودیّاری را باقی نگذارند) .. یوشع هم درمحاربات خود همین قسم نموده وعدّهٔ مقتولین ان غزوات بیشتر ازصد هزارزن وکودك بود (بسفر یشوّع مراجعه شود)

﴿ عمانوئیل ﴾ حماقت این شریعت شخص را خندانیده . وقساوت او میگریاند (بهرهٔ قتل چارپایان چیست) ؟ قتل زن وکودک چه قدر مؤثر میباشد وشخص رامیگریاند — پدر . پدر بزرگوار وجدان شما میپسندد قتل زنان وکودکان شریعت الٰهی بوده باشد ؟

(الیعازر) شریعت خداوندی باین درجه قساوت وبربریّت نبوده ونخواهد بود . ولی . باحضور حضرت قس اظهار عقیده از من بیجا است وامیداست سبب رابیان فرمایند

﴿ قس ﴾ گویا گذارشهای سابقیکه در اطراف آنها کنجکاو بوده ونمیدانستیم بیانات توریة است ؟ یا . . . فراموش نموده واینک از سبب همین یک گذارش سؤآل

میبمائی .

(الیعازر) خوب . خوب . مسبوق شدم . سبب تمام را بفرمائید

(قس) خود داری نمائید . گفته اند (هر سخن جائی وهر نکته مکانی دارد) — عمانوئیل . عمانوئیل . بخوان . بخوان .

—﴿ منازل اسرائیلیان وتوریه ﴾—

(عمانوئیل) باب ۳۳ سفر اعداد . بترتیب . منازل اسرائیلیان را از مصر تا عبراردن محل وفات موسی ذکر مینماید ـ میگوید ـ از طور سینا تا موسیر ومسیروت ۱۵ منزل است سپس . چاههای بنی یعقان . هور الجدجاد .. یطبات . عبرونه . عصیون جابر . بیابان صین . قادش . کوه هور مردنگاه هرون . صلمونه . فونون . اوبوت . عی عباریم . دیبون جاد . علمون دبلاتایم . عربات مواب مقابل اریحا ـ ودر باب ۳ و ٤ و ۸ و ۱٦ سفر اعداد است که خداوند سبط لاوی را برای خدمت خیمهٔ اجتماع وبرداشتن تابوت عهد در دامنهٔ طور سینا (فرود گاه اسرائیلیان) مقرر فرموده است . وبدیهی است نوشتن

دولوح عهد وبخشش آنها ازخداوند درمرتبهٔ اوّل ودوّم در
سینا بوده وقبل ازحرکت اسرائیلیان از سینا

(قس) غرض شما ازاین بیانات چیست ؟

(عمانوئیل) مقدّمهٔ تقدیم داشته وسپس مقصود خودرا
عرضه خواهم داشت - شروع بقرائت کرده بباب ۱۰ سفر
ثنیه رسیدم . عدد ۱ تا ۹ میگوید . مذاکراتیکه موسی
باخداوند مرتبه دوّیم دراطراف دولوح داشته وروزه که
گرفت مانند مرتبه اوّل چهل روز بود — دراین بین کلام
را بی ربط بریده میگوید « واسرائیلیان ازچاههای بنی یعقان
بموسیر (۱) کوچ کرده ودرآنجا هرون مرد وپسرش
العازر را بکهانت پرداخت وازآنجا بجدجوده وازجدجوده به
یطباث که محلّ آبهای جاری است رفتند ودراین وقت خداوند
سبط لاوی را برای برداشتن تابوت عهد وخدمت خداوندی
گماشت » — آقای قس [illegible]
گذاشته بفرمائید چرا تو[illegible]

(۱) موسیر . ومسیر و[illegible]
الجدسباد . وجدجوده [illegible]

هور گفته ودراینجا موسیر میشمارد . نمیداند موسیر هشت منزل قبل از (کوه هور) است ؟! بفرمائید قصه دو لوح وخدمت گذاری لاویان چه مربوط باین جمله بود ؟ نمیدانم توریة هم مانند اسرائیلیان تمرّد حضرت حق نموده ودر ترتیب منازل ومردنگاه هرون سرگردانست

﴿ قس ﴾ راست میگوئید هیچ یك بسابق خود مربوط نیست وبین انها تناقضات بزرگیست ولی (چکنم . چاره چیست آه افسوس)

(عمانوئیل) ـ شنید نیست ـ ترجمهٔ که در سنهٔ ۱۸۱۱ طبع گردیده خودسرانه دراین مقام توریة تازه مینویسد . میگوید « هنگامیکه خداوند شفاعت مرا راجع بهرون پذیرفته ایستاد تا اسرائیلیان از چاههای بنی یعقان وموسیر کوچ گردند » اصلح این ترجمه وسائر تراجم واصل عبرانی را مراجعه فرمائید . این نویسنده بیچاره جمله « وهنگامیکه خداوند شفاعتم را راجع بهرون پذیرفته وایستاد تا لفظ « تا » برتوریة عبری وسائر تراجم افزوده است . متأسفانه باین زیاده بیخود هم اصلاح خالی نداشته وکلام را پیوسته نموده .

(قس) (آنچه نخواهی شده بگذر بخوان

﴿ پیغمبر موعود . وتوریه ﴾

﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم . خواندم تا بباب ۱۸ سفر تثنیه رسیده عدد ۱۵ تا ۲۳ میگوید در تبلیغ موسی به اسرائیلیان وحی خداوند را « یهوه خدایت نبی را از اقرباء تو از برادرانت مثل من برای تو مبعوث خواهد گردانید اورا بشنوید . موافق هرانچه درحوریب درروز اجتماع از یهوه خدای خود مسئلت نموده گفتی آواز یهوه خدای خودرا دیگر نشنوم واین آتش عظیم را دیگر نه بینیم مبادا بمیرم . وخداوند بمن گفت آنچه گفتند نیکو گفتند نبی را برای آنها ازمیان برادران ایشان مانند تو مبعوث خواهم کرد . وکلام خودرا دردهانش خواهم گذاشت وهرچه باو امر نمایم بانها خواهد گفت . وهرکس سخنانیکه باسم من گوید نشنود ازاو مطالبه خواهم نمود امّا نبی که طغیان کند باسم من سخن گوید که بگفتنش امر نفرمودم یا باسم خدایان دیگران سخن گوید البته این نبی کشته شود . اگر در دل خود بگوئی سخنی که خداوند اورا نگفته است چگونه تشخیص دهیم . هنگامی که نبی باسم خداوند سخن

گوید اگر این چیزی که گفته است واقع نشود ویا انجام نرسد
این امریست که خداوند نگفته است بلکه ان نبی ان را از
روی مکر گفته ازاو مترس »
توریة را کنار گذاشته . گفتم . آقای قس . آقای قس . این
نبی موعود کیست ؟

﴿ قس ﴾ عهد جدید میگوید مسیح است . بطرس در عدد
۲۲ و ۲۳ باب ۳ اعمال رسولان بهمین کلام احتجاج نموده
واستفانوس هم عدد ۳۷ باب ۷ اعمال مزبور بجدید احتجاج
داشته ومیگویند مسیح همان نبی موعود در توریة است ـ مگر
شما تصدیق ندارید ؟

—﴿ مسیح . واناجیل ﴾—

﴿ عمانوئیل ﴾ . نه اناجیل مقدسه نمیگذارد باور کنم —
انجیل متّی عدد ۳۸ تا ٤۱ باب ۱۲ مسیح در جواب کتبه
وفریسیانی که مطالبهٔ آیتی ازاو نمودند گفت « طبقهٔ شریر وفاسق
مطالبهٔ آیتی دارند وجز آیهٔ یونس نبی باو داده نخواهد شد . زیرا
بنحوی که یونس سه شب وسه روز در شکم ماهی ماند پسر
انسان هم چنان سه شب وسه روز درشکم زمین خواهد ماند »

ـ مراد ـ معجزهٔ مسیح از خداوند آنستکه پس از موت در شکم زمین (یعنی قبر) سه شب وسه روز مانده وسپس زنده خواهد شد (با انکه) اناجیل درابواب اخیره میگویند درقبرماند مگرآخر روز جمعه وشب وروزشنبه وپاسی ازشب یکشنبه . وزنان پیش از طلوع فجر یکشنبه بسوی قبر شتافته واو را در قبر نیافتند وفرشته بآنها گفت مسیح از میان مرده گان برخواست —
آقای من — اناجیل مقدسه میگویند . مسیح سخن گفت بنام خداوند وآن سخن نیامده است . آنهم که دروغ بود ودر توریه است « پیغمبر دروغ گو بایست کشته شود » پس بقول اناجیل مسیح پیغمبر موعود نیست — اضافه بر این در همین اناجیل است که مسیح دیگران را هم (خدایان) خواند —
بعدد ۳۱ تا ۳۷ باب ۱۰ انجیل یوحنا مراجعه فرمائید « مسیح بیهود گفت چرا مرا سنگسار میکنید گفتند چون تو انسانی وخود را خدا میگردانی گفت در ناموس شما نوشته است که من گفته ام شما خدایانید پس آنهائیکه کلام خداوند بر ایشان نازل شد خدایان خواند وممکن نیست کتاب منقوض شود »
ـ آقای قس ـ این انجیل میگوید مسیح قائل بتعدد آلهه بود

و در این امر بناموس یعنی مزامیر استشهاد نمود . گویا این مستشهد کلام خداوند را نفهمیده یا عمداً افتراء زده است چون هر کسی بمزمور ۸۲ مراجعه نماید میداند که (من گفتم شما خدایانید) در مورد انکار بوده و بر قاضیان جور و بی فهم و بی علم سر زنش زده است

و نیز اناجیل تعدد ارباب را بمسیح نسبت داده اند . باب ۲۲ متی و ۱۲ مرقس و ۲۰ لوقا متذکر است که مسیح پسری داود را انکار کرده بر این انکار دلیل میاورد « چگونه میگوئید مسیح پسر داود است با انکه شخص داود در مزامیر خود میگوید پروردگار به پروردگار من گفت بدست راست من بنشین تا دشمنان تو را پای انداز تو کنم و چون داود اورا بروح القدس پروردگار میخواند چگونه پسر او میباشد » —

آقای من — این گوینده و نویسنده درانتقام بتعدد ارباب اکتفا نکرده بلکه مزامیر را تحریف نموده وافتراء زده است . در اول مزمور ۱۱۰ اصل عبری است (نأم یهوه لأدنای شب لیمینی) ترجمه « وحی نمود خداوند بآقای من » یا « وحی خداوند برای آقای من » . « آدن » در لغت عبری « آقا » و

« ادنای . آقای من است » (پروردگار) هم که در بین نیست . (آقا) هم ممکن است انسان باشد . آقای من . اگر در این تحریف سهل انگاری نمائیم پس تحریف زشت چیست وکدامست؟ بفرمائید . آقای قس . اناجیل ما بواسطهٔ این نسبتها ئیکه بمسیح داده میگویند . مسیح همان پیغمبر موعود در توریة نیست بلکه نقطهٔ مقابل آن پیغمبر درستکار موعود است ـ آقای من ـ کسیکه قائل بتعدد آلهة و ارباب . ومن امیر را علناً تحریف نموده آیا شایسته پیغمبری است ؟ یا چنانچه توریة گفته آیا دارای علامت متنبیٔ کاذب وواجب القتل نیست ؟

. آقای من . در توریة است (که اسرائیلیان از شنیدن کلام خداوند و مصادفة اهوال و آتش عظیم ترسیده و از مقام احدیت خواستار شدند . خدایا بروش دیگر کلام خودرا صادر فرما . خداوند هم پذیرفته وفرمود . کلام خودرا در دهان آن پیغمبر خواهم گذاشت . ولی . بمقتضای عهد قدیم وجدید خداوند کلام خودرا در دهان مسیح و سائر پیغمبران سلف نگذاشته . بلکه تمامی آنها از روی الهام بکلام عادی خودشان

بامردم تکلم میدارند ـ آقای قس ـ توریة میگوید آن پیغمبر موعود ازبنی اسرائیل نیست واز برادران آنها است واز این مراجعه میداریم که مسیح بمناسبت مریم مادرش از اسرائیلیان است نه ازبرادران انها

(قس) درجائی دیگر بنی اسرائیل میگوید « ازمیان تست » مسیح هم ازمیان انها است

﴿ عمانوئیل ﴾ انچه درتوریة عبری است « مقربك » میباشد یعنی ازخویشان تست . نگفته « متوکاك » زیرا وسط . ومیان درلسان عبری « ترك » است اضافه براین درشمارها پی درپی (ازبرادرانت) میگوید

﴿ قس ﴾ — عمانوئیل — پس چگونه تراجم مقدسهٔ ما « مقربك » رابه « من وسطك . ازمیان تست » ترجمه نموده اند .

شترسوار وغرض رانی مترجین

(عمانوئیل) ـ آقای قس ـ مترجمین کتب مقدسهٔ ما غرض رانی نموده وباینگونه تحریفات زشت وتصرفات فضیحت آور متهمدند . تحریف « وحی پروردگار باقای من » رادرورق

قبل ذکر شده - ودر عدد ۷ باب ۲۱ کتاب « اشعیا »
به بینید که « سواران جفت . خرسوار وشترسوار » را به « فوج
سواران جفت جفت . سواران خرها وسواران شترها » تحریف
داشته واصل عبری را کنار گذاشته اند . اصل عبریست
« ورأه رکب صمد فرسیم رکب حمور ورکب جمل » سواران
در عبری « رکبیم » وباضافه « رکبی » اقلاً در (سفر قاضیان)
عبری عدد ۱۰ باب ٥ وعدد ٤ باب ۱۰ وعدد ۱٤ باب ۱۲
مراجعه نموده . ولفظ شترها « جلیم » است اقلاً سفر تکوین
عبری عدد ٦۱ باب ۱۲ وعدد ۳۰ و۳۱ و۳٥ باب ۲٤ را
مراجعه فرموده . ولفظ خرها « حموریم » میباشد اقلاً سفر تکوین
عبری عدد ۳٥ باب ۲٤ وسفر اعداد . عدد ۲۸ و۳۰ و ۳٤
و ۳۹ باب ۲٤ را مراجعه فرمائید . ولفظ خر « حمور » است اقلاً
سفر خروج عبری عدد ۸ و۹ باب ۲۲ ملاحظه شود . ولفظ
شتر « جمل » میباشد اقلاً سفر لاویان عبری عدد ٤ باب ۱۱ وسفر
تثنیه عدد ۷ باب ۱٤ را مراجعه فرمائید

(قس) راستی (این تحریف فضیحت آور است) ونمیدانم در
کدام ترجمه است .

(عمانوئیل) در جملهٔ ازتراجم چاپ بیروت وغیره میباشد از انجمله نسخ ۳ و٤ و٥ که درصفحه ۲٦ ذکر شد . بله . در نسخهٔ ۸ و۹ این تحریف نیست

﴿ قس ﴾ میدانی مقصود آنها ازاین تحریف چه بوده است ؟

﴿ عمانوئیل ﴾ این کلام درکتاب اشعیا بنبوتی برجسته وریاستی دینیه اشاره داشته . ومسلمین هم مسیح را همان خرسوار . وپیغمبرخود (محمد ص) را همان شترسوار میدانند . لذا . مترجمین غرض رانی کرده خرسوار وشتر سوارارا خرسواران وشترسواران نموده اند — بنده همچه تصوّر مینمایم .

(قس) ـ فرزند ـ این تحریف هم زیانی بمسلمین نمیرساند . وباز هم برای انها سودمند است

ـ ای عمانوئیل ـ فعلاً این را گذاشته . بگوئید . نظر شما در معرفت این پیغمبر موعود چیست ؟ وشخصیکه توریة میگوید (خداونداورا مانند موسی نصب مینماید) چه کس است ؟ وچه مدرکی داری

—﴿ پیغمبر اسلام ﴾—

(عمانوئیل) توجهی بپدر خود نموده سپس بحضرت قس اظهار داشتم اگرچه مذاکره وبحث بهترین وسیلهٔ کشف واقع است . ولی . من کجا واین معنی — بله . بله — مسلمانها برما اقامهٔ دلیل کرده ومیگویند توریه پیغمبر آنها (محمد) اشاره مینماید . بآنها گفتم خیر . خیر مسیح است . آنها هم ببیاناتیکه قبلاً بحضر عالی اظهار نمودم جواب مرا داده . دیگر جوابی نیافته بآنها بگویم — بلکه پس ازاظهار عقیده گفتند پیغمبرما ازاولاد اسماعیل پسر ابراهیم است واز برادران بنی اسرائیل شمرده میشود . واین مطالب را تاریخ عرب وتصدیق قبائل اعراب در طبقات عدیده روشن داشته واذعان قحطانیان تأیید میدارد . والبته در صورتیکه قابل خدشه بود قحطانیان این فخررا برای عدنانیان نمیگذاشتند . و (محمد) ص شخصي است که خداوند کلام خود (قرآن) رابدهان وزبان او مانند کلام خود باموسی در کوه سینا گذاشته . نه بنحو کلام انبیاء باقوم خودشان درتبلیغ وحی خداوند را چنانچه در کتب عهدین است

ـــ﴿ اخبار پنهانی درقرآن ﴾

ونیز (محمد صؐ) بنام خداوند سبحان باموٰرغیبیهٔ بزرگی در (قرآن) خبر داده . وتمامی واقع گردیده است ﴿ ۱ ﴾ آیهٔ ۹۵ سورهٔ حجر مکیّة است که دربدء بعثت مردم را بدین مقدّس اسلام دعوت میداشت وخداوند هم اورا بشارت داده فرمود (انّا کفیناك المستهزئین) (استهزاء کنندگان تورا کفایت میکنم) و برطبق این بشارت خداوند انحضرت را بشریفترین کفایت سرافراز فرموده است ﴿ ۲ ﴾ آیهٔ ۹ صف مکیّه است (لیظهره علی الّدین کله ولوکره المشرکون) واورا به بهترین اظهار برتمامی دین اظهار فرمود . وقریب همین مضمون آیهٔ ۳۳ سورهٔ برائت قبل ازفتح مکه است (۳) سوره « تبّت » مکیّة درعاقبت ابولهب و زنش (سیصلی ناراً ذات لهب وامرأته حمّالة الحطب ، « بازن هیزم کش خود داخل آتشی زبانه دار خواهد شد » آنها هم بآئین شرك مرده وباین سبب مستوجب دوزخ شدند « زآئین مشرك برآتش رهی است » ـــ مختصر ـــ انچه درقرآن کریم خبر داده دیده شد

(قس) آیا دلیل مسلمانان منحصر بهمین (اشارهٔ توریه) بود که خداوند او را نصب خواهد فرمود

﴿ عمانوئیل ﴾ خیر . خیر . بسیار است ودلائلی روشن دارند . ولی . با یهود ونصاری به بیانات توریة مناظره مینمایند .

(الیعازر) — عمانوئیل . عمانوئیل — آرام . آرام — بی حرف — میبینم مانند یکنفر مسلمان متعصب مکالمه مینمائی — آقای قس — مگر نمیشنوید چگونه بساحت مسیح ومقام برجسته او طعنه میزند

(عمانوئیل) ای پدر بزرگوار من کجا مسلمین کجا . آنهارا چه بمن . فقط برای پا برجائی دین خود کوشش نموده وطریقهٔ حقه را خواستارم — پدر . پدر — مستحضرید که تعصب بکلام دروغ بیهوده است آیا در کلام من دیده شد ؟ . متمنی است درکلمات بنده واظهارات عهدین دقت فرموده تشخیص دهید انگاه بفرمائید من بقدس مسیح ورسالت او جسارت نموده ام یا اناجیل مقدسهٔ ما ؟ — بسر مبارك — آنچه برشما مستور بزرگتر وبزرگتر است ازانچه میدانی

(الیعازر) ـ فرزند ـ طعنهٔ هم که قرآن ومسلمانان برسالت وقدس مسیح زده اند متابعت نمودی پس تکالیف من چیست وپس از این چکنم

ـ﴿ قرآن ومسیح . وتثلیث ﴾ـ

(عمانوئیل) معذرت میخواهم ببخشید « باسلام وقرآن مرا کار نیست » . ولی . حق باید گفته شود وانصاف جمال بشر وشرافت انسان است . قرآن یگانه کتابیست که مسیح ورسالة اورا تمجید نموده . ودامان قدسش را به نسبتهای اناجیل چرکین نمیدارد . ومیتوان گفت در اطراف قدس مسیح اغلاط اناجیل را تصحیح مینماید

بله . بله . قرآن عقیدهٔ تثلیث برهمی بود آئی رومانی نصاری را تنقید داشته . ومسیح را ازاین عقیده تبرئه میدهد .

(الیعازر) درصورتیکه قرآن احترام قدس مسیح را نموده ونگهبان شرافت او میباشد من هم آنرا تقدیس میدارم . وبنفس خود مقدس است — امّا تثلیث که مخالف عقل وبرهان است . واز اوّل عمر بآن عقیده نداشته ام . ولی . قسیسان ما را

آموخته و میخواهند کور کورانه تصدیق کنیم « وجدان کشیم و گفته بیهوده بشنویم » - بطوریکه بوجدان خود رجوع نموده . وبعقل ذرهٔ بین خود نسنجیم — آقای قس — عفو بفرمائید . نمیفهمم چگونه خداوند یکتا دارای سه اقنوم است (یکی) پدر درآسمان (دوّم) پسر که در زمین متجسّد گردید . پسریکه گرسنه وتشنه میشود . میخورد ومینوشد . کشته میشود (سیم) روح القدس . بالا میرود . پایین میاید وبالاخره بشاگردان قطعه قطعه منقسم گردیده است (این سه یکی یکی سه . سه یك یك سه چیست چیست ؟) به بخشید من شخص تاجر محاسبی هستم . نمیدانم . نمیپرسم . واحد حقیقی چگونه سه است . وسهٔ که دارای صفات وآثار مختلفه است چگونه یکیست ؟ — آقای من — معذرت میخواهم . بنده از مردمان متوسط هستم ومعنی تجسّد آله را نفهمیدم خواهشمندم برمن منّت گذاشته وایهارا بمن بفهمانید

(قس) — جناب الیعازر — اگر تعقل این امر ممکن بوُد دیگر قسیسان شما خواستار ایمان بسیط نبوُده واقامهٔ

برهان مینمودند
(الیعازر) - آقا - اجازه میدهید بهمین ایمان بسیط کورانه خود باقی باشم ؟
(قس) چرا ازمن استئذان مینمائی . من هم مانند تو یکنفر مخلوق میباشم . برو . وبدلالات عقل و وجدان خود ازخداوندت استئذان نموده و نجات خودرا خواهان باش . فعلاً خودداری داری وصبر کرده . عجله مکن
(الیمازر) - آقای من - تا چند . تا کی . صبر نمایم . من که شخص تاجری هستم اگر وقت مطالبه سندم برسد آنی بمدیون فرصت نمیدهم . بفرمائید . چگونه در اطراف دین خود کنجکاو نبوده ودر این موضوع خودداری کنم . باانکه دین یگانه سبب نجات وسعادت است
(قس) . ای الیعازر . اگرمدیون بگوید . شب است . توهم در کسالت خواب هستید . راه هم مغشوش میباشد و پول شما نزدمن حاضر است . ولی . تا صبح من باشما بوده . پس از رفع کسالت خواب وجه را تقدیم خواهم داشت . ازوقت در سکه پول دقت کرده وبا روشنائی وفرصت کاملی بشمارید

— آیا — بأین مدیون اظهار تشکر نموده یا مذمت خواهی داشت .

(الیعازر) تشکرات خودرا بچنین مدیون تقدیم داشته ومخالفت نصیحت او نخواهم نمود

﴿ قس ﴾ پس مرا مهلت داده وبمذاکرات ما گوش دهید .

(عمانوئیل) مذاکرة قس با پدرم مرا روح حیوة بخشیده . ودانستم که شخصی عاری از تعصب وحق کشیست . ولی . اشتیاق مفرطی بطی مراحل بحث داشته . وبزودی وصول بمقصود خواهان بودم

(قس) — عمانوئیل — بخوان — الیعازر شما هم بشنوید

— ﴿ توریة . وکسیکه بگوید زنم باکره نبوده است ﴾ —

﴿ عمانوئیل ﴾ پس خوانده تاباب ۲۲ عدد ۱۳ تا ۲۲ سفر تثنیه رسیده . دیدم میگوید (هرگاه مردی دختری را گرفته وبگوید باکره نبوده . پس پدر ومادر دختر علامت دختری وبکارت او را برداشته ونزد بزرگان شهر ببرند وآن پارچه خون آلود را در مقابل آنها بگسترانند . آنوقت بزرگان

شهر آنمردرا تأدیب کرده ویکصد مقداری از نقره اورا جریمه نمایند وبه پدر دختر بدهند وآنمرد نمیتواند تمامی عمر خود زن مزبوره را طلاق بدهد . ولی . اگر چنانچه مطابق ادّعای مرد بود وعلامت دختری وبکارت نداشت زن را سنگسار کرده تا بمیرد . زیرا که بزنای خود عمل زشت درمیان اسرائیلیان نموده است

﴿ قس ﴾ آیا دراین شریعت می بینی چیزیکه دراو بحث نمائید ؟

(الیعازر) ـ آقای من ـ منکه شخصی ازعوام وبی علم هستم میدانم که این شریعت ظلم انگیز . آئین خداوند نیست . بفرمائید . چیست علامت دختری وبکارت که بایست به بزرگان شهر ارآئه دهند ؟ مگر خونُ کمی بپارچه نیست ؟ آیا این کار کار مشکلی است ؟ ومادر دختر نمیتواند پارچه بخون گنجشک آلوُده وبه بزرگان شهر ارآئه دهد . وباین وسیله ننگ فامیلی خودرا برداشته واستفاده مالی هم بنماید . ودختر را هم طوق بلائی نموُده بگردن مرد بیچاره بیفکند ـ آیا خداوند این علامت بی اصل را میزان احکام وتکالیف قرار میدهد ؟

. آقای من . برفرض که آن زن هم «علامت دختری» نداشت . بفرمائید . بچه سبب اورا سنگسار نمایند تا بمیرد ؟ وچرا اورا زانیه وزشت کار بدانند ـ مستحضرید ـ که علامت دختری وبکارت پردهٔ نازکی است که بجستن سخت وحرکت شدید پاره میشود . ودر موضعیکه خون حیض بسیار گرم وتند است بواسطهٔ توالی جریان پرده را پاره مینماید . آیا در این صورت ممکن است اورا زانیه وزشت کار نامیده وسنگسارش نمایند . آنهم بدرجهٔ که آن بیچاره با عفت ونزاهت بمیرد . آقای من . چگونه . خداوند این شریعت ظلم انگیز را بر قواعد غیر معقوله چیده ومرتب فرموده است ؟

(قس) . ای الیعازر . می بینم بر توریة که بایست اورا تمجید نموده واحترام کنی اعتراض مینمائی

(الیعازر) لازم است که شریعت حقه را ستایش نموده وثنا خوان آئین خداوندی باشم . واز این جهت بر آنچه منافی مجد وعدل وحکمت خداوندی است اعتراض خواهم داشت . آقای من . من بندهٔ خداوند هستم . نه بندهٔ مکتوبی که با مجد خداوند منافات دارد

﴿ قس ﴾ ای عمانوئیل . بخوان — بخوان

—﴿ توریهٔ . وطلاق ﴾—

﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم تا عدد ۱ باب ۲۴ . گفتم . آقای من .
توریهٔ میگوید چون کسی زنی بگیرد ونکاح خود را بیاورد
اگر بنظر او پسندیده نیاید ازاینکه عیبی در او بیابد انگاه طلاق
نامه نوشته بدستش بدهد واورا ازخانه اش رها کند —
بفرمائید — جهت چیست جماعت نصاری طلاق را حرام
نمُوده وزشت میشمارند ؟
﴿ قس ﴾ . فرزند . اناجیل میگویند که حضرت مسیح اورا
حرام وباطل فرمُوده واصرار بر زشتی آن نمُوده است —
ودر صورتی که مایلید در اطراف این مطلب مذاکره نمائیم
خوب است بحث را محوّل بقرائت اناجیل داشته . وفعلاً قرائت
توریهٔ را بتدریج خاتمهٔ دهیم

—﴿ زن برادر . وتوریهٔ ﴾—

﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم تا باب ۲۵ عدد ۵ تا ۱۱ خواندم
— مختصر — ۰ اگرچندین برادر بوُدند ویکی از انها وفات
نمُود وفرزند نداشت زن اورا برادر تزویج نماید واوّلین

فرزندی که از آنها متولّد شود جانشین آن میت خواهد بود واورا فرزند آن میت میخوانند . واگر برادر نپذیرفت . آن زن نزد بزرگان اسرائیلیان رفته شکایت نماید . ودر صورتیکه آن برادر استنکاف داشت درمقابل رؤساء اسرائیلیان کفش از پای او بیرون آورده وآب دهان بصورتش میاندازد . ودر اسرائیلیان « خانه کند شده کفش » خوانده شود

(الیعازر) شکر خداوندیکه مرا یهودی ودارای برادران زیاد نکرده است . والّا . صورت من هم درمخاطره این بود که در آب دهان زنان بی حیا غرق شود

« عمانوئیل » . آقای من . این چه عادت وحشیانه است که برنده ادب ودرندهٔ پردهٔ حیا وشرافت است . با اینکه براو فائده هم مترتب نیست . مگر حکمی زور ودروغ بی حقیقتی است وچگونه میشود این فرزند بنام میّت قیام کرده ونام اورا زنده نماید . این گونه احیاء نام میت بتزویر ودروغ دیگری هم حاصل میشود . پس لازم نیست مرد را درمیان دو بلا بگذارند یا اورا رسوا کرده وبشکل زشتی اهانت دارند . یا مجبور بتزویج زنیکه نمیخواهد بنماید . بلکه خوشوقت است

برادرش مرده . خود وخانواده اش از شرّ این زن خلاص شوند . آقای من . این شریعت بیهوده از خداوند وموسی وتوریة حقیقی دوراست . راستی آئینی سست وپست وازافکار مردمان بی سر وپا شمرده میشود

﴿ قس ﴾ . ای عمانوئیل . بأین درجه بتوریة مقدّسه زبان درازی مکن

(الیعازر) . به بخشید . این توریة خود شخص را مجبور بزبان درازی نموده وعصبانی مینماید

(قس) – بزودی گشاید دری بر تو حق –

(عمانوئیل) . آقای من . آیا پیش از توریة هم اثری از این آئین زشت بود ؟

﴿ قس ﴾ امّا راجع به (ثمت کردن) و (کفش کندن) بنظرم نمیرسد — ولی — در توریة است که تزویج مرد زن برادر خود را برای ابقاء نسل برادرش نزد الهی بوده و مخالفت او خداوند را بغضب خواهد درآورد . عدد ۸ تا ۱۱ باب ۳۸ سفر پیدایش متذکر است که « عیر » فرزند یهوذا پسر یعقوب وفات کرد پس یهوذا به پسر دوّمین خود « اونان » گفته برو

وزن برادر خودرا تزویج کن ونسل برادر خود را باقی دار .
چون « اونان » دانست پسر اولین ازاو شمرده نمیشود نطفهٔ
خود را بزمین میریخت . واین عمل از اونان در نظر خداوند
زشت بود

﴿ عمانوئیل ﴾ . آیا . این در زمان یعقوب شریعت الهیه
بوده است

﴿ قس ﴾ . فرزند . نه اینکه هرچه در توریة است سؤآل
ازصحت آن نموده وازمن تصدیق میخواهی ـ مگر شمارهائیکه
در سفر پیدایش بالأخره خداوند متعال را کاذب داشته
ومار را ناصح وراست گو شمردند ازلحاظ نگذارنیده
ودر صفحهٔ ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ این نسبت دروغ را توضیح
نداده اید ؟

(عمانوئیل) . آیا . قبل از شریعت توریة شریعت الهیه
بوده است ؟

(قس) . خندیده . وگفت بعض اصحاب ما وازآن جمله جمعیت
« کتاب الهدایه » تصریح نموده ودرجزء ٤ صفحهٔ ۱٦۷ و ۱٦۸
و ۱٦۹ گفته اند « که پیشیان ازآدم وابراهیم ویعقوب برعادات

آنزمان رفتار کرده وشریعتی برآنها نرسیده است . بلکه دراین دنیا برعادات جاریه رفتارمینمودند

(عمانوئیل) . آیا . صفحهٔ ۲٤۱ تا ۲٤۳ کتاب (الهدی) بنظر مبارك رسیده است

(قس) . بله . بله . آه . شرمندگی وافسوس ازدو جهت است یا ازجهل اصحاب ما بکتب خود ـ یا ـ از شدّت تعصب وعناد آنها . وهمین قدر عـدد ٥ باب ۲٦ سفر پیدایش در سرزنش وتوبیخشان کافی است . خداوند باسحق خطاب فرموده میگوید . « ازجهت انکه ابراهیم کلام مرا گوش داد وانچه برای من باید حفظ شود حفظ نمود اوامر وفرائض وشرایع را » ودراصـل عبرانی است (عقب اشر سمـع ابراهـم بقولی ویشمر مشمروتی . مصوتی . حقوتی . وتورتی)

(عمانوئیل) چیست که اصحاب مارا دراین ورطهٔ بزرگ فرو برده ومارادچار محذور نموده است

(قس) چون بعض شرایع (قرآن) شرایع تورة وشرایع منسوبه بتلامیذ وبولس را نسخ نمُوده است اصحاب ما غرض

رانی داشته و گفته اند نسخ شرایع الهیه ممتنع ومحال میباشد . لذا . شرائع قرآنیه را درعالم دیانت محال شمرده اند ـ ای کاش درچنین واهیات اقتحام نمینمودند

(عمانوئیل) . آیا . کتاب اظهارالحق . وصفحهٔ ۲۳۵ تا ۳۲۱ کتاب الهدی را درمبحث نسخ دیده اید ؟

(قس) دیده وبر بدبختی اصحاب خود تأسف خورده‌ام

﴿ عمانوئیل ﴾ اگر نسخ شریعت درعالم دیانت ازمحالات شمرده میشود . پس ـ بفرمائید ـ فعلاً از شریعت تورتی که مسیح وانجیل اورا اثبات داشته وبحفظ آن وصیت فرموده است نزد نصاری چه موجود است ؟ وچرا کتاب اعمال رسولان ورسائل منسوب ببولس شرایع توریة را بلسان توهین واستهزاء ابطال نموده اند

(قس) ازخود آنها پرسیده ازمن سؤال مکن

(الیعازر) چون این امریست بزرگ وبحثی است سودمند وفائدهٔ آن درعالم دیانت بسیار است چرا دراطراف آن بحث نکرده ومتعرّض نشویم

﴿ قس ﴾ بزودی مختصری ازان را متذکر شده . وممکن

است درمستقبل باعمال رسولان ورسائل منسوبه بپولس رسیده مفصلاً درایموضوع مذاکره نمائیم

—﴿ عمل بتوریة ﴾—

﴿ عمانوئیل ﴾ خواندم تا بعدد ٤٦ باب ۳۲ سفر تثنیة رسیده . گفتم . آقای من . موسی در این عدد وعدد ۱۲ باب ۳۱ وغیران . بعمل نمودن تمامی سخنان توریة تشدید فرمود . وبحفظ وصایا وفرائض مکتوبه درسفرشریعت بسیار تاکید نمود که ، هرکه بآنها عمل ننماید تمام لعنتها براوخواهد بود ، وعدد ۱۵ تا ۲۰ باب ۲۸ ملاحظه شود . . ودرعدد ۲٦ باب ۲۷ « کسیکه کلمات این توریة را برای عمل اقامه ننماید ملعون است ، ـ آقای من ـ ما که ایمان بتوریة آورده واورا کتاب آسمانی میدانیم — پس چرا عمل باو نمینمائیم . باانکه انجیل متی عدد ۱۷ تا ۲۰ باب ٥ هم ازلسان مسیح تصریح مینماید براینکه « برای نقض ناموس نیامده بلکه برای تکمیل او آمده است . وهرکه یکی ازاین وصیتها وصیت کوچک را شکسته ومردم را بشکستن اورا تعلیم داده درملکوت سموات کوچک خوانده شود ، . چنانچه اناجیل هم تصریح میدارند

که مسیح تا حادثهٔ صایب بشریعت توریه عمل میفرماید ـ آقای من . آقای من ـ پس چگونه ازاین لعنتها خلاصي خواهیم یافت

ـــ﴿ فداء مسیح از لعنت ناموس ﴾ـــ

﴿ قس ﴾ ـ خندان ـ گفت . فرزند ای عمانوئیل . وای عزیز من الیعازر . کلمات مرا شنیده دلگرفته نشوید . الهامات مقدسه که درعهد جدید ما بشارت بزرگی بنجات ما ازاین لعنتها داده است . درعدد ۱۳ باب ۳ رسالهٔ منسوبه بپولس است که باهل غلاطیه نوشت « مسیح ما را ازلعنت توریه فدا کرد چونکه درراه ما لعنت شد چنانچه مکتوب است « ملعونست هرکه بردارآویخته شود » ! !

(الیعازر) آیا این کلام درعهد جدید مقدس ما ازپولس پیغمبر است ؟! بنا براین شخص مجلس غنا وطرب ورقص زنها رفته راستی گناهش ازشنیدن اینگونه کلمات زشت واین نوع جسارت ورزی بحضرت مسیح کمتراست

(قس) . نه . ای الیعازر . بازی ورقص زنها درمجالس مردان ازعادات ملحدان وبت پرستان است

(الیعازر) . آقای من . مگر این کلمات زشتی که در بارهٔ مسیح میگویند از عبادتهای مؤمنان نیک کیش وخیر اندیش است ؟
ـ آقای من ـ منکه نمیتوانم انچه را در کتب مقدسهٔ ما است ومیخوانید بشنوم . وانها مرا گرفته وپریشان نموده است
(قس) ای الیعازر کسیکه دچار مرض فتق است باید در تحت عملیات دکترها صبر وتحمل نماید
(الیعازر) شخص مریض را بوسیله کرده بیهوشي خابانیده وصدمات عملیات را احساس نمینماید
(قس) . نه . نه . ممکن نیست عملیات روحیه را درخواب وبیشعوری بنمایند . چگونه ممکن است یا انکه شعور بزرگترین اسباب ومهمترین ونجاح آور آلات این عملیات بوده ودکتر را اعانه میدارد ـــ ای الیعازر صبر کرده وبشنو وبنور شعور استضائه کن . ونجات خود راخواهان باش
(عمانوئیل) ای پدر بزرگوار . این کلام نه تنها بساحت مسیح جسارت ورزیده . بلکه بیشرمانه بقدس وعدل خداوندی تجری داشته . وبکذب وتحریف وتدلیس هم تشبث نموده است

(الیعازر) . فرزند ، بیان نمائید چگونه دروغ گفته وتحریف وتدلیس نموده است

(عمانوئیل .) مراد این نویسنده از « مکتوب » آنچه در عدد ۲۲ و ۲۳ باب ۲۱ سفر تثنیه توریه « اگر برانسان گناهیست که شریعت وحکم او قتل میباشد پس کشته شده و بردار آویخته شود . شب بردار نماند بلکه حتما اورا بروز دفن نمائید زیرا نکه بردار آویخته شده ملعون خدا است تا زمینت را نجس نسازی » — ای پدر بزرگوار — این حکم توریه دربارهٔ گناه کاری است که بسبب خیانت ومعصیت بدار رفته وازاینجهت ملعون خداوند گردیده است وزمین هم ببقاء او نجس میشود ـ ودر توریه ننوشته است « هرکه بردار آویخته شود ملعون خداوند است » ـ پدر ـ اگر مظلوم میباشد چگونه ملعون میگردد ـ آقای من ـ مراجعه نمائید چه قدر تحریف وتدلیس نموده وباین دروغ جسارت ورزیده

اعتراض شخص مسلمانی

در این بین مسلمانی بنزدیکی ما بوده ودرخواست نمود . آیا ممکن است من هم یک سؤآل بنمایم ؟

(الیعازر) بپرس

(مسلمان) کتاب وحی شما « عهد جدید » مسیح را لعنت وملعون قرار داده . ومن طلب مغفرت مینمایم گناه این جمله برخود شما — ولی — سؤآل بالاتر ازاین است . روحانیان شما نوشته وعموم دیانت شما بلکه جملهٔ از کلمات عهد جدید براین است که « مسیح خداوند متجسّد . واو همان خداوند است ولباس ناسوت را پوشیده است » پس بنا براین بفرمائید . لعنت وملعون در نتیجه کیست ؟! نتیجه به چه کفر برمیگردد ؟! — خداوند مرا ببخش . زیرا من ازاین اظهار تنبیه بندگان تورا ازغفلت گمراهی خواستم

﴿ عمانوئیل ﴾ ای رفیق . راستی دراین سؤآل خود ما احسان فرمودید . وما هم در میدان بحث بوده وخواستار حق ونجات میباشیم . نه اینکه در حفیره تقلید وتعصب حق کشی مینمائیم

(مسلمان) درصورتیکه شما درمیدان بحث براستی قدم برداشته وبایك قصد خالصی جولان میدارید خداوند هم توفیق مرحمت خواهد فرمود — مرحمت زیاد — شمارا بخدا سپردم — واگر

ازاين سؤآل من ملول شده ايد بهٔ بخشيد

(اليعازر) . اى عمانوئيل . آيا درعهد جديد ما ديگر هم مانند اين جمله زشت خشم آور ومثل انچه درابواب سابقه توريه گذشت ديده ايد ؟ - يافت ميشود ؟ . يا . نه ؟

(عمانوئيل) ازحضرت قس بپرسيد

(قس) آرزومندم كه نداشته باشد - ولى -

« نه هرچه شخص طلب كرد بهره ور گردد » ماكلّ ما يتمنّى المرء يدركه - بزودى درعهد جديد انشاء الله خواهم خواند وانچه دراو است خواهيد ديد

و (سُبحان رَبّك رَبّ العزّة عمّا يصفون وَسلام عَلى) (المرسلين وَالحمد لله رَبّ العالمين)

(نجف اشرف مطبعهٔ ﴿ حيدريّه ﴾ ٢٣ ماه)
(مبارك رمضان سنهٔ ١٣٤٦)

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۰۲	۰۹	ره از	ره ار
۰۰	۱۰	ایست	است
۰۰	۱۶	ورد	ورود
۰۳	۰۳	بهر	بهره
۰۵	۰۳	حقیق	حقیقی
۰۷	۱۲	اروا	اورا
۱۰	۱۱	مراجمت	مراجعهٔ
۰۰	۱۴	خلاعت	خلاشه
۱۴	۱۷	مینماید	مینماید
۱۵	۰۶	مانده	ماند
۱۶	۰۸	میباشد	میشود
۱۸	۱۶	سوق	سوق
۱۹	۰۷	ابن	این
۲۲	۰۳	وفقط	فقط
۰۰	۰۵	ومردمی	از مردمی
۲۴	۰۱	امورکاری	آموزگاری

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۰۰	۱۷	سواداں	سوداں
۲٦	۰۳	« ۲ »	« » «
۰۰	۰۷	٤ فارسی	فارسی
۲٦	۱۰	برع	برغ
۰۰	۱٤	۱۸۷	۱۸۷۰
۰۰	۰۰	خاتمه	در بیروت خاتمه
۲۷	۰٦	الی الی	الی
۳۱	۱۱	ولی	و
۳۲	۰۷	نداده است	فرمائی نداده است
۳٤	۰۹	بختضر	بختنصّر
۳٦	۰۲	زمای	زیادی
۰۰	۰۳	بوسیبا	برسیپا
۳۷	۰٤	نویسنده ا	نویسنده
۰۰	۰۸	اکرم	اگرم
۳۸	۱٤	۲۳ باب ٤٦	۲٤ باب ۲٦
۳۹	۰۷	استراثیلیان	اسرائیلیان

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۴۲	۱۷	وحی	بوحی
۴۳	۰۱	آلهیه	آلهی
۴۸	۱۰	مبشرین	مبشرینی
۵۱	۰۱	صدق	صدقی
۵۲	۰۸	ضلالاتی	ضلالاتیست
۰۰	۰۹	پیچیده	پیچیده است
۰۰	۱۰	عهدین	عهدین را
۵۴	۱۲	آن	این
۵۶	۰۹	آن است	این است
۰۰	۱۰	انکه	اینکه
۶۲	۰۲	ابن زمین	این زمین
۶۵	۰۳	نجاتم راده	نجاتم داده
۶۹	۰۹	ازموده	آموخته
۷۰	۱۷	مداوات	مداوا
۷۲	۰۴	گفتهای	گفته های
۰۰	۰۸	آن	در اطراف آن

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۷۴	۱۳	وقت	وقتی را که
۷۵	۹	عذد ٤	عدد ٤ میباشد
»	۱٤	مصر	مصررا
»	۱۵	نا مختونیکه	نا مختونیست که
۷٦	٤	پوزش	پوزش را
۷۷	۳	از اسحق	ازاو
۸۲	۹	دهیم	میدهیم
۸۳	۵	میلرزد	میلرزید
۸۸	۳	معقول	معقول است
»	۱۰	مزبور	مزمور
۹۰	٤	متفقنددرروایت	درروایت متفقند
۹۷	٤	خورا	خودرا
۹۸	۵	میخورند	میخورید
»	۱٤	اظهارات است	اظهارات
۹۹	۱٤	گذشته	گذاشته
۱۰۳	۷	شدّت	ازشدّت

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۰٤	۰۳	و بین	بین و
۱۰۵	۰٤	شهر	در شهر
۱۰۷	۱٤	ولیم است	ولیم اسمت
۱۰۸	۰٦	این مواد	این موارد
۱۰۹	۰٦	کوفرار	گوفرار
۱۰۹	۱۱	دبگری	دیگری
۱۱۱	۱٦	بگانه	یگانه
۱۱۲	۰۸	کامل	کامل را
۰۰۰	۱۳	به پیروی	پیروی
۱۲۳	۰۲	از این	از این طرف
۰۰۰	۱۷	راد د	در
۱۲٦	۱٦	خداوند را	خداوند
۱۲۸	۱۷	مستور	مستور است
۱۳۰	۰۷	داری	۰۰۰
۱۳۱	٦٤	هستید	هستی
۱۳۲	۱۰	بمقصود	بمقصود را

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۳۷	۰۷	خود	خودش
۱٤۱	۱٦	اورا	او
۱٤۳	۱۲	اعانه	اعانت
۱٤٤	۰۳	انچه	جملهٔ امست که
۰۰۰	۰٤	توریهٔ	توریهٔ است

صفحه (فهرست قسمت اوّل مدرسهٔ سیار)

صفحه

صفحـــه

صفحــه

صفحــه